کارخانہ سے ہر قسم کی کتابیں بنرخ تاجرانہ بکفایت وجلد ویلیو پی ایبل روانہ ہوتی ہیں المشتہر حاجی محمد سعید تاجر کتب و مالک مطبع مجیدی کا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله که این رقعهٔ چند بعبارت واضح در شهر رجب سنه یکهزار و یک صد و هشت هجری در دار الخلافت شاه جهان آباد جهت تفهیم برخوردار جلیش علی و محمد مهدی که سال مکتب نشینی برخورداران مذکور همین ست بمقتضاے محبت که بنی نوع انسان بلکه حیوان هم در گرو محبت بچهٔ خویش ست قلمی شد حق سبحانه تعالی مبارک نماید بفضله و کرمه رقعه

برخوردار نور چشم فرزند قطب الدین سلامت باشند درینولا خطے برخوردار جلیش علی و محمد مهدی قلمی نمودند ظاهر شد که گاہے آن برخوردار تحفه جهت برخورداران مسطور نفرستادند از انجاکه دلداری برادر خورد بشما ضرورست گاهی آن برخوردار و گاهی میر نصیر الدین تحفه جهت طفلان می فرستاده باشند زیاده عمر باد رقعه صاحب قبلهٔ حقیقی سلامت قطب الدین بعد اداے آداب مراتب بندگی که آئین فرزندان سعادت گزینست معروض میدارد عنایت نامه که از راه فضل و کرم متضمن ارشاد فرستادن تحفه جهت جان و جگر سید جلیش علی مرحمت شده بود شرف ورود فرمود قبلهٔ من سلامت مرا از برادران هیچ عزیز نیست خصوصاً کیمن برادر خورد را دوست میدارم آن قبله هم مراد و خصت نداشته باشند در واقع بسبب بعضی امور درینولا چیزی فرستاده نشد عنقریب براے جمیع برادران تحفه خواهد فرستاد و متواتر خواهد فرستاد زیاده چه عرض نماید ظلکم ممدود باد

رقعهٔ برخوردار جیش علی و محمد مهدی سلامت باشند نه کوزه قند که فرستاده بودند رسید عوض
آن نه تهان چهینٹ کار قلم و نه تهان بافته بجواره فرستاده شد و هر گاه که چیزی خواهند فرستاده
عوض آن خواهند یافت والسلام رقعهٔ برخوردار غلام زین العابدین سلامت باشند مدت
گذشت عافیت نامه که عبارت از خط مسرت نمط شماست مشعر بر صحت نرسید از آنجا
که خاطر بمقتضاے ورد فرزندی متعلق احوال آن فرزند کامگار ست واجب ست که در هر هفته
خطی ارسال داشته باشند رقعهٔ برخوردار جیش علی و محمد مهدی اطال الله عمرهما نوشته بودند
که ما به برادر خرد و برادر زاده اصلا مهر و محبت بعطاے چیزی مرعی نداریم بسیار عجب می آید
با برادر و برادر زاده که بجاے پسر می باشند شمارا محبت نیست رقعهٔ برخوردار نور الابصار
نصیر الدین سلامت باشند مدت مدید گذشت که شما از حقیقت صحت و عافیت خود
جان پدر را مسرور نکردید که مهر فرزندے جهت وصول اخبار خیریت شما جوش میزند
تغافل در ارسال عرائض خوب نیست باید همیشه نویسان حالات باشند و مشتاق
دیدار دانند رقعهٔ کمترین فرزند نصیر الدین بعرض بندگان عالی قبله و کعبه دو جهان
مد ظله العالی می رساند بحمد الله بصحت و عافیت مستوجب شکر ست و صحت ذات
والا صفات هر گاه بوسیله جمیله نوازشنامه دست می دهد شکر مفضل حقیقی بجا آورده می شود
از ورود نوازشنامه دولت دارین روے می نماید فهم از دست و زبان که بر آید
کز عهدهٔ شکرش بدر آید ؟ و مختصر در ارسال بندگی نامه چگونه مقصر خواهد شد چون بطرف
قصبهٔ شکارپور رفتن شده بود ازین موجب مقصر ماند در ینولا خط برخوردار جیش علی
و محمد مهدی سلمهما الله تعالی متواتر رسید همه با خیریت اند زیاده چه عرض نماید رقعهٔ
قبله حقیقی سلامت تنخواه یکه من برادر خرد و برادر زاده را دوست میدارم بر خالق مهر و محبت
من ظاهر ست دورین ولا که بسبب بعضی بعضی رو داد بفور چشمان چیزے نتوانستم رسانید شکایت
ایشان راست ست عنقریب ایشانرا راضی نامه رسالی خواهم کرد امید دارم که از حقیقت روداد خواه

قلم عنایت رقم می فرموده باشند رقعهٔ فرزند جان پدر سیّد ثمر النبی سلامت باشند بسیار مدت
میگذرد که خط شما و واسطهٔ راحت دل نشده و خاطر متعلق ست معلوم شد که بدستور برادر کلان
یعنی غلام زین العابدین شما هم مرا فراموش کرده اید و برای خواندن برخوردار کامگار سیّد
جیش علی بشیخ ابو طالب بگویند که قاعده شروع بکنانند و جهت یاد تقید بسیار بکار برند درین ماده
تاکید بسیار دانند در باب نور چشم محمد علی چه نگارش رود که اصلا از طرف او خاطر جمع نیست نشود
که بسبب حمایت مادر خود ابتر و ضائع شود احوال همیشه نویسان باشند زیاده عمر باد رقعه
قبلهٔ من ثمر النبی بعد کورنش معروض میدارد بنده چه قدرت دارد که اظهار سال عرضداشت
خود را مقصر نماید و حقیقت بدلجا می غلام زین العابدین چه معروض دارد محمد مهدی بی تهدید
و بسیار تاکید چه امکان که برای او خدمت قبله گاهی صاحب بسیار بتاکید باید نوشت
که از خوف ایشان کسی رعایت نخواهد نمود زیاده چه عرض نماید رقعه برخوردار محمد حسین
سلامت باشند آرزوی دیدار شما بنحویکه در خاطر ست بنوشتن در نمی آید چون دعای
فرزند معصوم در درگاه الٰهی درجهٔ اجابت دارد و آن برخوردار بزبان شیرین بیان صبح و
شام دست بدعا برداشته دائماً مواصلت یک دیگر بجمعیت و عشرت مسالت نماید به
برخوردار قطب الدین و نصیر الدین سلمهما الله تعالیٰ قلمی شده که جهت آن برخوردار
پارچه و میوه بفرستند زیاده چه نوشته آید زیاده عمر و اقبال باد رقعه قبلهٔ و کعبهٔ دارین سلامت
محمد حسن که روز و شب در آرزوی قدمبوس و تمنای دولت آغوش بسر میبرد و بعد تقدیم مراتب
تسلیمات معروض میدارد نوازشنامه شرف ورود فرمود بمطالعه و مشاهدهٔ آن سعادت
کونین رو نمود آنکه درباره عالیجناب حضرت الٰهی ارشاد رفته است قبلهٔ من آن حروف
پیش از ارشاد ورد زبان بنده است او سبحانه تعالیٰ قبول فرماید و قبلهٔ گاهی سیّد
قطب الدین و نصیر الدین پروای ماندارند که چیزی بفرستند آن قبله خود خواهند
فرستاد زیاده چه عرض نماید رقعه همشیرهٔ عزیزهٔ من سلامت شما که کامگار

جیش علی را پرورده اید چنان سعی نمایند که چیزے بخوانند در حق او و در حق شما خوب ست
و اگر در خواندن رعایت خواهند کرد حیف عظیم ست و این وقت باز بدست نخواهد آمد
و بجا در محمد مهدی بگویند که اگر شما مرا دوست تصور نموده رعایت و حمایت محمد مهدی
خواهند نمود مرا معلوم خواهد شد شما حقیقت خود را خواهند دریافت باید که برای خواندن
هر دو کس تاکید نمایند رقعه [14] قبلهٔ من بھائی صاحب سلامت عمه جیش علی بعد کورنش
معروض می دارد نوازشنامه شریف متضمن تاکید خواندن هر دو فرزند سعادتمند
این نحیف و نور چشمی برادر محمد مهدی رسید موجب کمال تسلی گردید قبلهٔ من حقیقت بر
آن قبله ظاهر ست که از فرموده سر مو عدول نمے توانم نمود و در واقع حمایت اطفال در
چنین مقدمه دوستی نیست دشمنی ست ان شاء الله تعالی دستور حضرت والده مرحومه
تاکید و تهدید خواهم نمود و برادر محمد مهدی معروض میدارد که مرا چه قدرت که از فرموده
عدول توانم نمود من کیستم بخوبیکه دانند باخوند بفرمایند اگر کسے بنویسد که من رعایت
نمودم آن وقت عتاب گنجایش دارد زیاده چه عرض نماید رقعه [15] برخوردار جان پدر سید
جیش علی سلامت باشند مدت بسیار گذشت عرض داشت شما رسید از مهر و محبت شما
بسیار دور ست که مثل غلام زین العابدین مرا فراموش نمایند و از نوشته برخوردار
ثمر النبی ظاهر شد که آن نور چشم هم مثل محمد مهدی در خواندن و نوشتن تن نمی دهند
این معنی دور از شعور شما ست آخر باخوند شما نوشته مے شود که تنبیه نمایند بهتر انیست که
از خود در خواندن مقید باشند زیاده ثمر باد رقعه [16] صاحب قبلهٔ دو جهان مدظله العالی سلامت
کمترین فرزندان جیش علی بعد آداب سجدات بندگی و غلامی بعرض می رساند نوازشنامه
رسید سرفراز ساخت مرا چه مجال که مثل برادر نامهربان غلام زین العابدین صاحب
از ارسال عرائض و مثل فرزند عزیز محمد مهدی از خواندن مقصر شوم و برادر صاحب
سید ثمر النبی که نوشته اند محض از غصه نوشته اند حالانکه من در هیچ امر از اطاعت

ایشان بیرون نمی روم در بارۂ من آنچه چچا صاحب قبلہ بنویسند منظور باید فرمود امیدوار است کہ کاغذ ورشنائی مرحمت شود زیادہ چہ عرض نماید رقعہ[۱۷] نور دیدہ راحت سینہ محمد مہدی در حمایت الٰہی باشند خط شما گاہے نمی رسد و از آنچہ از نوشتہ برخوردار ثمر النبی وغیرہ معلوم شد کہ آن برخوردار در راستی نخواہد آمد تا کہ مثل عاقل وود گاہے بسزاے کردار و جزاے عمل نخواہد رسید لہذا خدمت صاحب مہربان میر محمد علی صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ و اُستاد شما شیخ ابو طالب و ثمر النبی و غلام زین العابدین بسیار نوشتہ کہ اگر در راستی آن نور چشم بخواند بہتر والا بہ تبنیہ و تاکید از علم کامیاب سازند انشاء اللہ تعالیٰ زیادہ عمر باد رقعہ[۱۸] صاحب و قبلۂ دو جہان حضرت قبلہ گاہی حقیقی سلامت بے تقصیر محمد مہدی معروض می دارد کہ ہنوز از بسم اللہ یک ماہ شدہ است کہ عنایت نامہ متضمن عتاب مکرر مرحمت شد انشاء اللہ تعالیٰ[تعالیٰ ۱۲] بخوبی در خواندن و نوشتن سعی می نمایم کہ عنقریب کامیاب می شوم و در جناب سرخرو میشوم و صاحبانی کہ چغلی من در جناب عالی می نویسند خفیف می شوند و من حمایت چندان ندارم عمو صاحب سید جیش علی حمایت عمدہ دارند خبر ایشان باید گرفت امیدوار است کہ کاغذ و روشنائی مرحمت شود زیادہ چہ عرض نماید رقعہ[۱۹] مشیخت و شرافت پناہ اعز عزیز من شیخ ابو طالب در حفظ الٰہی باشند الحمد للہ کہ احوال من بفضل الٰہی مستوجب[لائق ۱۲] ہزاران ہزار سپاس جناب اوست تعالیٰ شانہ و آگاہی احوال شما کہ فہیم[شامل ۱۲] حال خود ست یعنی بیماری شما بمقتضاے محبت بیماری خویش ست و صحت شما در حقیقت عافیت خویش مقصود و منظور مے باشد از فرستادن عرائض چرا مقصر[آرام ۱۲] مے شوند الحمد للہ کہ برخوردار سید جیش علی و محمد مہدی اطال اللہ عمرہما و زاد علمہما نشد[قصور کنندہ ۱۲] و لفظ مبارک بسم اللہ بہ زبان شیرین بیان آن دل و دیدہ و جان پدر گذشت حالا لازمۂ عقل آنست کہ این وقت از اطفال غنیمت دانستہ در سعی سبق دادن و یاد گرفتن و تہذیب آموختن در راہ ادب

رفتن کمال باید کوشید و جلیش علی مثل نور البصر سید قطب الدین سلیم الطبع می نماید و محمد مهدی
سخت دهان سیچ خوست و بادرش بهر فرزندے کہ در حقیقت مهریست از بی شعوری حمایت
خواهد نمود و من دوست لازم کہ از موے الیہ بسیار خبردار باید بود و همیشه حقیقت او را
باید نوشت القصه تاکید بسیاری کرده نست والسلام رقعه ۲۰ صاحب قبله مهربان خدایگان
قدردان طالبان فیض بخش فیاض زمان صاحب بنده سلامت عقیدت کیش ابوطالب
بعد تقدیم مراتب نیاز و تسلیم مدارج اعتقاد به عرض میرساند عنایت نامه کہ از راه ذره پروری
و فیض گستری متضمن مهربانی بیحد و تفضلات لاتعد از استفسار صحت این محقر و تعلق خاطر
مبارک خود و تقید درباره خواندن سعادت اندوزان سید جلیش علی و محمد مهدی زاد الله
قدره هامر حمت شده دوازدهم رجب بشرف اصدار مرا مفتخر و معزز نمود قبله من این نحیف
غیر ذات والا صفات ملجا و متکا گرادار و کہ او مهربانی و قدردانی این بیدست و پا
کند الحمد لله کہ آزار روبکمی آورده و صحت بر مرض استیلا یافته بدعاے آن قبله انشاء الله
تعالی صحت بکمال دست می دهد و نقاهت مغلوب قوت میگردد و برخوردار جلیش علی بدستور
استاد سید قطب الدین سلمه الله تعالی طریقه خواندن دارند قاعده شروع کرده اند
کامگار محمد مهدی اطال الله عمره هنوز در مکتب نیامده اما بی محنت نخواهد نشست
حتی المقدور لازمه سعی بتقدیم خواهد رسانید امیدوار است کہ بعنایت نوازشنامجات
همیشه مفتخر مے شده باشد زیاده چه عرض نماید رقعه ۲۱ مشیخت و شرافت پناه قدیم الخدمت
شیخ ابوتراب محفوظ باشند از ان باز کہ پروانه های سهجن پور فرستاده شد و قاصد رسید
آورد من بعد خطی از ان مشیخت پناه نرسید لهذا خاطر را مکدر و پریشان دارد نوکری و
غفلت و پرورش یافتن و عدم اطاعت خلاف مرضی استاد و پدر و آقاے نوکر پرور
در هیچ مذهب درست نیست این مرتبه پنبه غفلت از گوش هوش شما بر آورده شد آینده
اگر قصور در نوکری خواهند کرد نوشتن موقوف خواهد شد رقعه ۲۲ کمترین عقیدت نصاب

ابوتراب زمین خدمت به لب ادب بوسیده بعرض آستانه بوسان درگاه آسمان جاه میرساند
غریب پرور سلامت سلام صداقت سرانجام بعالم وجود از ریزهٔ نمک خوان دولت پرورش
یافته باشد چه احتمال که باوجود عافیت از تطوع خدمت عالی خود را مقصر ساخته داخل
شورنجتان شود اما حقیقت معروض داشتن نمی تواند که درینولا چند سیرت
خفاش بصیرت شیخ عبدالرسول خود را به مصاحبت صاحبزادهٔ عالی قدر سید
زین العابدین علم کرده مرا بدزدی متهم ساخته ازین موجب اگر حرفی معروض میداشت
صاحبزاده را احتمال دیگر پیدا می شد لهذا چند روز خود را کناره کشیده حالا هم آنچه
گذشته است عرض کردن نمی تواند زیاده چه عرض نماید رقعه یادگار شیخ مرحوم عزیز القدر
برادر بهاء الدین سلمه الله تعالی شنیده شد که بخاطر چند سیرت خفاش بصیرت
بوم شوم عبدالرسول لاحول ولا قوة مطیع شیطان را عبدالرسول نام باشد لامحاله منجم در
طالع نحس او سوای عقرب نیافته که نیش زنی شعار اوست و مردم آزاری کار
غلام زین العابدین با قدیم الخدمت شیخ تراب شکسته و او را بدزدی متهم ساخته
چه باید نوشت شکایت پسری را که مرضی پدر مقصود نداشته باشد و الا توجه کرم ابا
شیخ تراب است همه ها می دانند که درین مقدمه چه خاطر رنجیده شد و نومیدی حاصل
گشت که در قید حیات من پسران من که من از نوکر معتمد و قدیم حساب پرسیدن عار
میدانم بی مرضی من حساب خواسته باشند و بگفته مدعی که هزار در دروازه دیده و دیروز
آمده بازار خود گرم ساخته شیخ مذکور را خفت رسانند والسلام رقعه صاحب قبله
بهاء الدین به عرض میرساند نوازشنامه متضمن خودپسندی صاحبزاده و مصاحبت
بوم شوم عبدالرسول و عنایات بحال شیخ تراب در ساعت سعید رسید صاحبزاده که متنبه
بشوند حسب المرضی بعمل می آرند و حقیقت آن نافرجام که هزار بوم شوم نمونهٔ قدم او توان گفت
بر همگنان ظاهر است از مصاحبت آن شیخ جاه آباد نخواهد بود کار رهائی دست بسته آواز دیوانی

وخانه سامانی مے رسید فاخر باید دریافت از زمین قدیمش قریه برہٹی باغ باغ شده
لال پور رنگ گلہاے باغ عالم را افزوده فاخر نگر رشک فردوس برین ست و این گلپهر
داغ سینه حصا و از ان حزین حویلی خشت خشتش چون دندان شیخ فانی از ہم ریخته و سقف
وجدارش چون اعضاے پیر فرتوت از نسق ریخته الحاصل خدمت و غمخوارگی آزاد و دادن
قریه برہٹی به محمد اسحاق عیان ست و ملال تنگی آن و از هیچ کنانیدن پسر مسطور فارغ ازبیان
انشاء الله تعالی صاحبزاده هم متنبه شده است او را بویرانه خواهد فرستاد و در شهر نگاه نخواهد
داشت زیاده اقبال باد رقعه ۲۵ برخوردار فرزند کامگار سید غلام رسول سلمه الله تعالے
در حفظ حافظ حقیقی باشند عدم ارسال عرائض که بمقتضاے سعادتمندی بر شما واجب
توان گفت از چه راه است می دانید که محبت شما از چنین غفلت شما چه قدر خاطر مرا
حیران و پریشان ساخته باشد از نوشتجات موہان خبر آمدن شما واضح مے گردد
در صورتیکه قصد آمدن دارند یکمرتبه بیایند و خاطر ملاقات طلبان و دیدار خواہان را
مسرور سازند زیاده عمر باد والسلام رقعه ۲۶ قبله و کعبه من سلامت نوازشنامه در ساعت
سعید و ہمایون در رسید و بنده را معزز و مفتخر گردانید چون مشتمل بر عافیت ذات
والا صفات بود ابواب راحت و نشاط بر روے من کشود آنکه در باره عدم ارسال
عرائض ارشاد شده بود در واقع اعتراف بعصیان خود دارد و تا عذر مسموع
وسیله شفاعت مے سازد و دوراه ست که ہمیشه بقصد روانه شدن و بحالی
خدمت رسیدن گذرانیده و این مراسله هم که جواب معروض داشته می داند
که خود پیش از این عرضداشت موصول و بدست پانصوس خواهد گردید انشاء الله
تعالے بمنه و کرمه رقعه ۲۷ شرافت دستگاه میرزائی میرزا ہادی بیگ در حفظ الہی باشند
از روزیکه آن شرافت دستگاه اختصاص رخصت شده است باغ یافته خطے
متضمن رسید و سرانجام کارہاے عمده خود نه نگاشته از انجا که من آن شمرا ثبت

پناه را نوکر نمک حلال دانسته و به غمخوارگی و شعور شما اعتماد و اعتقاد داشته جمیع کارها
با هتمام شما مفوض کرده ام باید که در خور حسن ظن این جانب و گفتهٔ خود بعمل آرند و زنهار
در باغ سوای حکم خود حکم شخصے نافذ ندارند و اگر کسے مثل غلام زین العابدین یا قطب الدین
فرمایش بیجا نمایند قبول ننمایند و بحضور قلمی نمایند و دیگر جمیع حقیقت را متواتر مینوشته
باشند زیاده زیاده سنت رقعهٔ فدوی زاهد بیگ بعد تقدیم مراتب صداقت
و تبلیغ مدارج رسوخ عقیدت به عرض میرساند که فقیر بفضل الٰہی که مغنی از دعای
دلی نعمت ست بخیر و عافیت بموهان رسید و رسید خود در القعده تاریخ نوشته
سابق مصحوب قاصدار سال داشته مقرون بنظر فیض اثر خواهد گردید بعد رسیدن
در خدمت صاحبزاده میان مجو ملازمت نموده بکاریکه مامور شده رخصت سرانجام
آن گرفته دست بکار شده هنوز حقیقتے قابل عرض نیست که معروض نماید هر چیز رو
خواهد داد و قابل عرض خواهد بود البته بلا فصل احوال معروض خواهد نمود تاکید
در بارهٔ خواندن تبع اقبال سید جیش علی و محمد مهدی حسب الارشاد بعمل آرند زیاده
چه عرض نماید رقعهٔ برخوردار کامگار سید قطب الدین سلمه الله تعالیٰ در حفظ الٰہی باشند
خطی که فرستاده بودند دوم شهر رجب رسید موجب کمال مسرت گردید فقطے بود
که جهت جان عمر سید جیش علی وغیره نور چشمان چیزے بر سبیل تحفه فرستاده شد
بسیار موقع و بجا واقع گشت هرگاه آدم روانه موهان شود همیشه چیزے بجمیع نور چشمان
نے فرستاده باشند زیاده عمر باد رقعهٔ برخوردار کامگار سید نصیر الدین سلمه الله تعالیٰ
از عمر و دولت برخوردار باشند عریضهٔ که فرستاده بودند دوم شهر رجب رحم [illegible]
رسانید چون متضمن صحت و عافیت بود خاطر بسیار خورسند گردید مناسب که همیشه همچنین
و مشعور شتاب شتاب عریضه می فرستاده باشند که جمعیت دل وابسته اخبار سلامتی را
و تفصیل نتیجه آن برخوردار کامگار است زیاده عمر باد رقعهٔ برخوردار غلام زین العابدین

سلامت باسعادت باشند مدت بسیار گذشت که خط شما نرسید موجب کمال انتظار شد
معلوم نیست که در خواندن و نوشتن تقید دارند یا ندارند و حالا کدام کتاب می خوانند
زود قلمی نمایند و کتابیکه مطلوب باشد بر نگارند رقعهٔ ۳۲ نور دیده فرزند عزیز محمد مهدی
سلمه الله تعالی شنیده شد که بعد بسم الله خواندن نور بصر سید جیش علی بفاصله دو سه ماه
بسم الله شما هم شد الحمد لله حالا باید که در خواندن و نوشتن مقید شده زود قاعده تمام
نمایند و بعد آن قرآن شریف شروع نمایند و درین باب بسیار تاکید دانند و اگر تغافل
خواهند نمود با خوند سلمه قلمی خواهد شد که تنبیه نمایند رقعهٔ ۳۳ مشیخت و شرافت پناه اعزی عزیزی
من شیخ ابوطالب در حفظ الهی باشند مدتیست که مراسلهٔ شما متضمن خواندن برخوردار
سید جیش علی و محمد مهدی نرسید ازین معنی خاطر متفکر است نظر بر صغر سن نمایند وقت
خواندن همین عمر است در خواندن بسیار تقید نمایند که بفضل الهی قرآن شریف زود
تمام نمایند مکتوب و انشا بعد آن شروع بکنانند که درین صورت خط نوشتن زود حاصل
می گردد و چون برخوردار جیش علی از محمد مهدی سخت مزاج است بخواندن او بسیار
تاکید و تقید خواهند نمود و نخواهند گذاشت که خانهٔ علی میان صاحب بروند که ازانجا
آمدن مشکل شود و درین باب بسیار قدغن دانند رقعهٔ ۳۴ نور چشم راحت جان سید عبدالله
در حفظ الهی باشند دیریست که مراسله نرسید ظاهر شد که در رفاقت برادر ناهموار
محمد نواز روز و شب مشغول بازی و هرزه گردی می باشند و به سبب آنکه اخوند بیمار
بودند برخاسته بلکهنو رفتند مدت در آنجا بودند آنچه خوانده شده بود فراموش کردند
معلوم شد که در انجا به خاطر شما نمی گذرد که من دور دست رفته یقین دانند که هر گاه
می آیم تمام مکافات شوخی و غفلت حالی شما در یک روز می نمایم اگر [illegible] ست
خواسته باشند بخاطر جمع و حواس فراهم یک کتاب دیگر بخوانند بعد ازین شما را
این جانب طلب نمایم والا این قدر پاپوش کاری خواهم کرد که مو بسر شما نخواهد ماند

بیشتر اختیار است زیاده عمر باد رقعه ۳۵ جان من محمد کاظم همواره در حفظ الهی باشند از روز
مفارقت تا امروز که نهم رجب ست مدت ۶ ماه در مفارقت گذشت گاهی خط شما
و خط پدر شما و سلام مادر شما نرسید و در واقع هرگاه که پدر و مادر شما مرا از خاطر فراموش کردند
فراموش نمودن شما حق به طرف شما ست و با مقتضای درد فرزندی ناچاریم شما یاد نمائید
یا فراموش سازید مرا بالضرورت یاد باید نمود امروز که روز پنجشنبه تاریخ مذکور ماه مسطور ست
برخوردار سید نجف علی سلمه الله تعالی به وقت تمام بالخیر دار الظفر و در دار الخلافت
شاه جهان آباد رسیدند الحمد لله علی ذلک مناسب که آن برخوردار
نویسان حال باشند زیاده عمر باد رقعه ۳۶ فرزند ارجمند سید نجف علی سلمه الله
تعالی از روز مفارقت تا امروز که نهم رجب ست ۶ ماه گذشته غیر از دو عریضه
فرستاده شما عریضه نرسید خصوصاً از آن باز که از موهان جهت ملاقات امارت و
حوالی نشان اسد علیخان سمت محالات فتح تشریف آورده رقعه متضمن عافیت واصل
نشده بیحد زیاده برین چه خواهد بود که در گاهی خادم خانگی در کن پور در خورد
شما را توفیق دو کلمه خیریت نوشتن و از اراده آمدن شاهجهان آباد قلمی کردن دشوار
شد در اصل تقصیر آن نور چشم نیست از ابتدائیکه شما را شعور ست در انتظام
صحبت فتور ست عجب تر آنکه قاصد بتخصیص فرستاده اسد علی خان صاحب
خطوط از موهان آورده و ایشان از احوال خود قلمی نفرمودند گذشت آنچه گذشت
آینده تا دستیاد دولت مواصلت بابلاغ مراسلات مسرور داشته نذر زیاده عمر باد
رقعه ۳۷ عزیز القلب سید عبد العلی همیشه از نعمت دولت و مراتب بهره یاب باشند
بعد دعای درازی عمر و مزید فهم مطالعه شما پیدا باد جو و منت و آرزو و بسیاری التماس
نوشته بودی خود بر طرف ساخته منت و التجای او را اینجا که انداخته بگفته بیت
خانه بر انداز که اصل آنها از آب حلال نیست بر فاسته به وطن تشریف بردند

نقدیر برخاستن بائستی از راه شاه‌جهان‌آباد از دیدار خود مرا خورسند نموده تشریف
زانی می‌کردند دو ماه ست که این نحیف در رفاقت شریف از موهان تا مرادآباد
مده در کدام چیزے بهبری دیدند که یک مرتبه دامنش بر چیند تد تقصیر آن نور چشم نیست زمانه
ین اقتضا دارد به پسر و برادر در بارهٔ نصیحت وقتی باید نوشت که گوش شنوا و چشم بینا
اشته باشد نه عقل در دماغ نه مهر در سینه معذور اند والسلام رقعه ۳۸ فرزند عزیز کلب علی
سلمه الله تعالی در شکر محبت شما اگر صد داستان [مراد از دل ۱۲] بنویسم گنجایش دارد و اگر هزار دفتر بنگارم
بجا باشد بکرر خط خوب و عبارت درست و هم مهر فرزندے در جوش و آداب پدری هم آغوش
ق سبحانه تعالی عمر و اقبال شما بیفزاید که مرا خرسند نمودند قلمدان موافق فرمایش آن فرزند
متعاقب فرستاده می شود امید که بهمین دستور به ترقیم الفیت [نوشتن ۱۲] نامجات مشرف و مبتهج
میساخته باشند و چون برخوردار محمد مهدی در نوشتن و خواندن بهانه طلب ست
نباید که کسی حمایت و رعایت او کند زیاده عمر باد رقعه ۳۹ جان عم شیخ دوست محمد سلمه الله
تعالی در حفظ الهی باشند بعد دعاے درازی عمر و زیادتی اقبال مشهود ضمیر [دل ۱۲] الفت
پذیر نموده می آید از آن وقتیکه خطے مصحوب جمال الدین فرستاده بودند و جواب
قلمی شد مراسلهٔ راحت بخش نرسید بمقتضاے محبت موجب کمال انتظار گردید از
آئین محبت و رسم دوستی خیلے [بسیار ۱۲] دور ست که برادر یاد برادر را از خاطر محو سازد لازم و مناسب
که همیشه از احوال خیر اشتمال خود و نور دیدهٔ سید رحم علی قلمی می نموده باشند و مرا مشتاق
دانند والسلام رقعه ۴۰ برخوردار علی عباس جان پدر سلمه الله تعالی سلامت باشند از
روزیکه روانه شاهجهان آباد شده‌ایم گاهے سلام نرسید و درین ولا بزبانی آیندگان این
طرف ظاهر شد که شما و فضل علی و محمد مهدی اصلا نمی [هرگز ۱۲] خوانند این معنی خوب نیست جفت
پاپوش براے شما فرستاده شد خواهد رسید زیاده عمر باد والسلام رقعه ۴۱ برادر
گرامی قدر بجان برابر اعتضاد برادر سید غلام صادق سلمه الله تعالی همواره زیب

مسند کامرانی وزینت بساط فیض رسانی بوده در حفظ و حمایت حقیقی باشد بعد ابراز مراتب اشتیاق و اظهار مدارج آرزومشهود ضمیر محبت پذیر نموده می آید چه قدر مدت و از گذشت نامه وسیلهٔ راحت دل آرزو منزل نه شد کجا محبت که الغیاث من شنود و کو صلهٔ رحم که فریاد درماندگان مراحل بیرحمی وارشد نوشتن بر نوشتن و کلمه متضمن عافیت در فهم آن برادر چه ترجیح یافته است که با وصف آمد و شد مردم خانگی یاد آوری نیست اگر مشاغل شادی و ریش است در هنگام نشاط یاد برادر و دوست واجب و اگر نصیب اعدا تشویش عارض گشت آگهی کردن و مصلحت خواستن فرض بهر دو شق فراموش کردن عقل تجویز نه کرده باشد جان من از نوشته موهان معلوم شد که جویلی شیخ حسین مرحوم بچهار صد روپیه آن عزیز خریدند بسیار خوب کردند هر چند جای کوتاه است اما مکان دلخواه ست و خطے که از خدمت حضرت والده متضمن عافیت رسید از حقیقت آن آگهی بخشید و برادر را مشتاق دانند و آرزومند تصور نمایند زیاده عمر باد رقعه[۴۲] جان برادر عزیز القدر رشید حسام الدین در حفظ الٰهی بوده شاد کام باشد بعد دعاے ترقی اقبال و زیادتی مشهود ضمیر محبت مخمر نموده می شود نمیقه راحت افزا و صحیفه خلت پیرا در وقتیکه از دیر رسیدن بلکه نرسیدن خط خاطر متفکر بود با هنڈوی پنج هزار روپیه رسید موجب کمال بهجت شد اول خط تحریر شد دوم خط با هنڈوی معقول بر وقت در کار رسید لازم که حقیقت را پیوسته بدست قاصدان مهاجنان نوشته باشند و بر وقت در کار فرور قاصد اجوره وار بفرستند زیاده عمر باد رقعه[۴۳] عزیز القدر نور چشم سید امام الدین سلمه الله تعالےٰ درینولا از نوشته صاحب مهربان میر محمد علی جیو واضح شد که آن برخوردار برای استرداد زر حسب الارقام اینجا شب بخش راے مهربان لاله سکه رام عامل پرگنه بجنور رفته بودند لاله صاحب از روی حرفات بسیار گفتند و هنوز مقدمه فیصل نیست چون ما را نظر بر اخلاص لاله صاحب ست و زر چندان چیز نیست که ایشان را آزرده باید نمود لهذا

مناسب آن ست کہ ہر چہ در سہولت فیصل شود برضامندی باید فیصل نمود بسیار سرزنش نباید ساخت یکی دوستی تجویز آرزو گی ننماید دوم بحاکم شکستن مصلحت نیست کم زیادہ بہر نہج فیصل سازند زیادہ اقبال یاد رباد رقعہ نورچشم برادر بہتر از جان سید نظر علی ہموارہ مورد فضل آلہی باشند از مدتیکہ آن کامگار تشریف شریف بطرف غازی پور بردند محبت برادری و حق ہمسایگی ہمہ فراموش کردند گاہے از دو کلمہ متضمن عافیت قلمی نفرمودند ع عمرت دراز باد فراموش گار من + جان من سابق نوشتہ شدہ بود کہ سوانح نگار سرکار غازیپور کہ برادر حاتم خان ست شکایت نوشتہ کہ سید نظر علی منصب دار بر محال خدمت نیست در غازی پور اقامت میدارد چنانچہ بہر نہج رفع نمودہ شد حالا نیز قلمی می شود کہ اگر نوکری عزیز باشد بمقر و مسکن باید آمد والا باید نوشت کہ مارا نوکری عزیز نیست دوستان از فکر بیحاصل خلاص یابند رقعہ عزیز من سید سلطان علی سلمہ اللہ تعالی نفرستادن خط شما موجب شکایت نیست زیراکہ براحوال شما آگہی تمام است ہرچند دوستی و محبت نباشد اما مراسم نیک دنیا در نظر داشتن خود را معزز و ممتاز کردن ست غریب تر آنکہ شمارا بدنیا دوستی بسیار ست و غفلت ہم بسیار لازم آن ست کہ طریقہ حسنہ سلف از دست ندادہ مراد وست داشتہ باشند و تحریر محبت نامجات مسرور دارند زیادہ چہ نوشتہ شود رقعہ برادر گرامی قدر بجان برابر اعتضاد برادر سید غلام صادق ہموارہ زیب مسند کامرانی و زینت بساط فیض رسانی بودہ در حفظ حقیقی باشند بعد ابراز مراتب اشتیاق و اظہار مدارج آرزو مشہود ضمیر محبت پذیر نمودہ مے آید مکتوب مرغوب رسید بر سلامتی مسرور گردانید تلاش جاگیر معلوم در خط ست ہمین کہ دست بران می رسید بانصرام می رسید رقعہ گرامی قدر بجان برابر سید سیف علی در حفظ حقیقی باشند از عدم وصول مراسلۂ شما خاطر محبت ماگران نمی شود چراکہ علم یقین ست کہ آن گرامی قدر محبت دارد و شعور شخصی کہ خلعت عقل لباس ندارد ہر چہ بعمل آرد گنجائش دارد فقیر بفضل آلہی غرہ شعبان

روانہ دہلی شدہ پنجم شوال داخل بلدہ معظمہ مذکور گشتہ باقی حقیقت کارہا انچہ رو خواہد داد بقلم
خواہد آمد معلوم نیست کہ افلاطون وقت برادرم سید سلطان علی درچہ کار مشغول و بکدام خدمت مشغوف
اند ہر جا بہر کار کہ باشند دعا خواہند رسانید و یاد خواہند داد کہ برادرے کہ از شما
در سن کلان تر ست بہ سلام متوقع می باشد بجاست یا بیجا زیادہ بجز شوق چہ بقلم آید رقعہ
جہان پہلوان نور چشم برادران سید دیوان علی سلامت بعد دعای درازی عمر و شوق
مواصلت مشہود باد مدت بسیار گذشت و زمان بسیار آخر شد ترصد بمقتضای محبت می باید
و محبت از مدتی از عالم جہان گذاشتہ بعالم علوی شتافتہ است قطع نظر از محبت در عالم اسباب
کہ عبارت از ممکنات ست راہ و رسم سلف بموجب التیاز و وقار ست اگر حسن ذاتی نباشد
تا کہ در دنیا اندر پایہ دنیا باید بود نزد ہمگنان مقرر ست کہ خط و کتابت نوشتن در ہمہ گر بہتر
و ترک آن غیر بہتر ست باقی مختار اند والسلام رقعہ فرزند بجان پیوند سید غلام رسول پیوستہ
بحفظ ایزدی باشند بعد دعای زیادتی عمر و ترقی مدارج حقیقت معلوم نمایند خطیکہ از غازیپور
نوشتہ بودند چہاردہم شہر رجب در شاہجہان آباد رسید از انجا کہ مشعر عافیت بود مبلغی راحت
رو نمود قلمی بود کہ دیگر خط فرستادہ شد جواب نہ رسید علم نیست کہ خط مرسلہ بشما رسیدہ یا نرسیدہ و جواب
بخیر خیریت چرا نمی رسد جان من دو ضمیمہ اینقدر مرسلہ آن کامگار در عشرہ ماہ رسیدہ و در جمعیت
خاطر اطمینانی کہ از ایصال صحت شمایے نوشتہ شما حاصل بود راحت عظیم افزود خط شما
رسیدن از مغتنمات بود چہ جا کہ چنین خط متضمن عافیت و مشعر جمعیت خوش عبارت
ورود نمود باب جمعیت و مبلغی بر روے دل آرزو منزل کشود انجملہ بدعاے شما
است او سبحانہ تعالی حیات خضر و دولت اسکندر و کیاست ارسطو بآن راحت جان کرامت
فرماید مناسب کہ ہمچنین و تیرہ تحریر مکاتبات محبت سمات مسرور و مبتہج می نمودہ باشند
و ما را مشتاق واند و نور چشمی قطب الدین سلمہ اللہ تعالی دوازدہم ماہ مسطور بہ دہلی
آمدہ بودند نوزدہم شہر مرقوم بہ مرادآباد رفتند زیادہ عمر و دولت باد رقعہ نور چشم

راحت جان و دل سید فیض علی سلمہ اللہ تعالیٰ در حفظ الٰہی باشند بعد دعاے درازی عمر و جمعیت ظاہر و باطن معلوم نمایند از مفارقت الی الیوم کہ بست و پنجم رجب ست چہ قدر مدت گذشت کہ عافیت نامہ مرسولہ آن برخوردار واسطۂ اطمینان قلب و تسلی جان آرزومند نیست انصاف نمایند کسی کہ از محبت شما خوگر شدہ یک مرتبہ بچہ عنوان سنگدلی اختیار کند بالفرض بناچاری خیال محال بخاطر آورد و جوش خون و بیتابی دل بکدام حیلہ دفع سازد و احوال آن برشما وقتی مکشوف خواہد شد کہ حق سبحانہ تعالیٰ فرزندان و محبت آنہا بشما مرحمت فرماید زیادہ بخیر و دعا خاتمہ راے رساند حق سبحانہ تعالیٰ آنچہ بہتر آفریدہ بآن فرزند سعادت مند مرحمت فرماید والسلام رقعہ بجناب عفت مآب ماجدہ ساجدہ مشفقہ مکرمہ حضرت والدہ صاحبہ سلمہا اللہ تعالیٰ کمترین فرزندان نظام الدین بعد تقدیم مراتب نیاز و تسلیم و مدارج آرزومندی بعرض میرساند از ان باز کہ بندہ از خدمت تمام سعادت بمقتضاے قسمت جدا شدہ الی یومنا کہ دو سال منقضی گشتہ عنایت نامہ بشرف ورود این مہجور را معزز و مفتخر نہ فرمود اگر قصور شفقت خیال کند انصاف تجویز این قدر بے انصافی نمی نماید اگر از تقصیر خود اندیشہ بخاطر آورد امرے کہ موجب کمال بی عنایتی بود سایہ عطوفت از سر فرزند بردارد بیاد نے آید از آنجا کہ مقررست کہ باوجود تقصیر ہم مہر فرزندے با جگر کاوش دارد ازین راہ فرزند امیدوارست کہ از گناہ مختصر در گذشتہ بعنایت نامجات ممتاز فرمایند و از خاطر التفات مآثر محو نہ نمایند زیادہ چہ عرض نماید رقعہ نور چشمی عصمت پناہی ہمشیرہ سلمہا اللہ تعالیٰ در حفظ و الطاف حضرت فاطمہ علیہا السلام باشند شکایت شما در جائیکہ والدہ صاحبہ از سر فرزندی گذشتہ فراموش کردہ باشند لائق انصاف نیست زیرا کہ مہر و محبت شما بالاتر از مہر و محبت پدر و مادر نے باشد اما خوشنا بود کہ مقصر نے شدند و حضرت والدہ را بر سر شفقت می آوردند

زیاده زیاده است رقعهٔ ۵۳ مشیخت مآب شیخ تراب در حفظ الٰهی باشند مدت ست که مراسله
شما حاصل نیست در جای که مدار کار جمیع علائق با شما باشد و خط شما در ماهی یک مرتبه هم
متضمن حقیقت آنجا بمطالعه نرسیده خود قایل نماید چگونه خاطر را از انتظار که دشوار ست
خلاص نموده شود و دل طالب اخبار عافیت دوست را تسلی داده آید معاملات دنیا یکطرف
بیشتر تعلق خاطر بنظر تلاطم زمانه ۵۴ باشد بجاست باید که بر خلاف گذشته آن مشیخت مآب
از ابلاغ عرائض و ارسال صحائف خود را مقصر ندارد و درین باب قدغن بسیار داند
والسلام علی المرسلین رقعهٔ ۵۵ مشیخت و شرافت پناه اعزی شیخ ابو طالب در حفظ حافظ
حقیقی باشند از شوق مواصلت و یاد حقوق محبت شما بسیاری فراهم خاطر دوستی مآثر ست
خصوص از آن باز که کیفیت تصدیع شریف از آزار درد کمر و فالج ۵۶ زبانی آیندگان بگوش
دوستی کوش رسیده شافی حقیقی می داند که چه قدر تلخکامی زندگانی و آزار روحانی دوچار خاطر
فاتر گشته از انجا که دوای جمیع امراض در کارخانه قدرت اوست از حدوث مرض دل از فضل
الٰهی نباید برداشت و مایوس از صحت نباید شد انشاء الله تعالیٰ شفا خواهد شد زیاده
بجز شوق چه بقلم آید رقعهٔ ۵۵ خانصاحب مشفق من شکر الٰهی شامل حال مخلص ست
و سجدات بجناب صمدیت او که زبانی آیندگان خیر و عافیت ذات مقدس یافته می شود
خواهم که برخے از آرزو بر نگارم تشویش فراموشی عنان می گیرد بجاست که یاد چنین مخلص
خیلے عجب که از خاطر رود و غریب تر آنکه نیاز نامه مقرون بجواب نه شود اما بمقتضای صداقت
این همه از شورش قسمت و ستیزهٔ فلک بحال خود دانسته امیدوار ست که آینده فراموشی
از خاطر فراموش شود زیاده چه رقعهٔ ۵۸ صاحب قبلهٔ دوجهان سلامت بعد تقدیم مراتب
تسلیمات قطب الدین بعرض میرساند نوازشنامه که از راه عنایت و تفضل مع قاصد
مرحمت شده بود دوم رجب معزز و ممتاز نمود قبل ازین معروض داشته بود که جهت برخوردار جان
برادر سید جانبخش علی سلمہ الله تعالی و جان محمد محسن اطال الله عمرهما قدری پارچه وغیره

برسبیل تحفه فرستاده شده وورینولاحسب الارشاد واجب الاتقیاد هرچه لایق فرستادن است
خواهد داد جهت هریک برخوردار خواهد فرستاد زیاده چه عرض نماید رقعه۵۵ صاحب دو جهان
سلامت کمترین فرزندان نصیرالدین مراسم سجدات بتقدیم رسانیده معروض مے دارد
عنایت نامه والا متضمن صحت ذات مبارک رسید احقر آرزومند اخبار را هزاران جمعیت
دفراوان تسلی بخشید امیدوار است که همین دستور بورود نوازشنامجات مفخر و ممتاز
می شده باشد دو دسته کاغذ کشمیری خوش قماش که از راه تفضلات مصحوب محمد عاقل مرحمت
شده بود در عین کار رسید چون درین ولا حسب الامر در مشق نمودن مقید می باشد و روشنائی
وقلم واسطی در ینجا بهم نمے رسد بمیرزا عبدالله بیگ حکم شود که در مسجد اکبرآبادی رفته
مرکب خوب که فی روپیه راد و نیم درم می دهد با چند قلم واسطی بسرعت بفرستند زیاده
چه رقعه۵۸ صاحب قبله من سلامت ثمرالنبی بتقدیم سجدات جبین نیاز و اعتقاد را
نور آگین ساخته بعرض می رساند نوازشنامه بشرف ورود محقر را معزز فرمود حسب الامر
در خواندن مقید مے باشد انشاء الله تعالی عنقریب خط خود را درست مے سازد
برای مشق وصلی و روشنائی مرحمت شود زیاده چه عرض نماید رقعه۵۹ کمترین فرزندان غلام زین العابدین
عرض بندگان عالی میر صاحب قبله دو جهان مدظله العالی میرساند نامه التفات
شمامه که از راه فرزند پروری و محقر نوازی در بارهٔ تاکید خواندن ونوشتن
وآگهی از کتاب و مرحمت فرمودن آن رسید موجب سربلندی و فخر دارین
حاصل گردید بنده درین ولا سکندرنامه میخواند و نصاب یاد مینماید بفضل الهی در
نوشتن هم تقید وارد امیدوار است که ادوات و آلات مشق که عبارت از قلم واسطی
ووصلی و کاغذ کشمیری و خطائی و روشنائی لاهوری باشد مرحمت گردد زیاده چه
عرض نماید رقعه۶۰ صاحب قبلهٔ من سلامت بخش علی کمترین فرزندان بعد تقدیم مراتب
نیاز و آداب غلامی معروض مے دارد عنایت نامه بتاریخ چهارم رجب قاصد همایون

قلم رسانید از انجا کہ متضمن صحت ذات والاصفات ومشعر عافیت قبلۂ حاجات بھائی صاحب
سید قطب الدین و نصیر الدین مدظلہما بود عالم عالم نشاط وجہان جہان انبساط روے نمود
مرقوم قلم عنایت رقم بود کہ خبر صحت وعافیت خود وجان عزیز محمد مہدی و محمد حسن
این کمترین می فرستادہ باشد ومقید بخواندن ونوشتن باشد قبلۂ من احوال محقر
بر ضمیر منیر روشن ست کہ مزاج وحشت ندارد کہ از فرمودۂ آن خدائگان والاشان مہربان
انحراف تواند نمود ہر قدر کہ باید در نوشت و خواند کہ محمد مہدی سلمہ اللہ تعالےٰ
خبردار باید بود کہ اصلا بخواندن تن نمی دہد ووالدۂ ماجدۂ ایشان نیز رعایت می نماید بہزار
پہلو تہی مے لند ۱۲
محنت از خانہ می آید امیدوار ست کہ درین مقدمہ بہ میر حسین علی جیو سلمہ اللہ تعالیٰ
بتاکید قلمی شود زیادہ چہ عرض نماید

خاتمۃ الطبع

حمد وافر مبدعے را کہ تکون جمیع کائنات رشحۂ از قلم قدرت اوست ونعت متکاثر مرسلے را
کہ تسخیر خلایق نبذے از کلام معجز نظام اوست اما بعد درآوان مسعود وزمان
محمود کتاب لاجواب موسوم بہ رقعات نظامیہ حسب فرمایش تاجر
باوقار ذوالعزو الافتخار ملک التجار اخی المعظم والمکرم جناب مولوی
حاجی محمد سعید صاحب تاجر کتب کلکتہ خلاصی ٹولہ
باہتمام کمترین عبدالمجید مالک مطبع مجیدی
کانپور بماہ ربیع الاول سنہ ۱۳۳۴ھ از
زیور طبع آراستہ
وپیراستہ
گردید

ما شاء اللہ لا قوۃ الا باللہ

حسب فرمائش برادرم مکرم حاجی محمد سعید صاحب سلمہ اللہ الواہب تاجر کتب کلکتہ خلاصی ٹولہ نمبر ۵

رسالۃ الصبیان

از اہتمام راجی رحمت احد محمد عبد الصمد غفر لہ اللہ الاحد نبیرۂ حاج مبرور محمد مصطفی خانصاحب مغفور

مطبع رزاقی واقع کانپور مطبوع شد
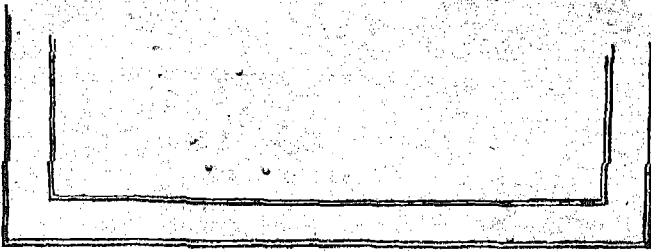
بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و افر و بیمری راکه انشای آفرینش حرفی ز قلم قدرت اوست **نظم** لطیف و کرم گستر و کارساز + کردارای خلق ست و دانای راز + توان در بلاغت بسحبان رسید + نه در کنه بیچون سبحان رسید + و نعت بیکاتر خبیری راکه املای دانش و بینش نکته از خامهٔ هدایت اوست **نظم** یتیمی که ناکرده قرآن درست + کتب خانهٔ چند ملت بشست + امام رسل پیشوای سبیل + امین خدا مهبط جبرئیل صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین تحریر این رساله که مسمی به **دستور الصبیان** ست خادم طلبه نو بنده رای در خدمت منشیان عالی طبع التماس میدارد که برای افادهٔ تعلیم مبتدیان بعد تحریر رسالهٔ اسمای فارسی و افعال فارسی و قوانین فارسی بتسطیر این اوراق اتفاق افتاد امید که بر کمال مهر این ناقص گمان نبرده عیب پوشی را کار فرمایند **نظم** شنیدم که در روز امید و بیم + بدان را بنیکان ببخشد کریم + تو نیز از بدی بینی اندر سخن + بخلق جهان آفرین کار کن + مخفی نماند که انشا در لغت پیدا کردن ست و در اصطلاح سخنیست که از معنی آن حصول مطلب باشد و مکتوب الیه یعنی بهر کسیکه نوشته شود زیاده از سه مراتب نیست بزرگ یا خرد یا برابر لاجرم این رساله را سه فصل نموده شد **فصل اوّل** بجانب اعلی **فصل دوم** بطرف ادنی **فصل سوم** بسبت مساوی چون قوانین سلاطین و امرا در کتابهای قدیم بسیار ست

له بلاغت یعنی تیز زبانی و سحبان بن زفر کمال دارد در کلام بمقتضای حال ۱۲

ونهم صبیان از ادراک آن قاصر لهذا موقوف داشته اختصار بر ضوابط ضروری و مطلوبی نموده شد

فصل اوّل بجانب اعلیٰ مشتمل بر پنجاه و نه مکتوب

مکتوب اوّل بجناب سعادت مآب پیر دستگیر روشن ضمیر سلامت آداب تسلیمات مریدانه بجا آورده بعرض خادمان آستان هدایت نشان میرساند که باعث مهجوری و سبب دوری از کثرت کارهاست لیکن شوق حصول قدمبوس زیاده از حد بیان ست ان شاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری سعادت قدمبوس حاصل نماید آفتاب هدایت و ارشاد دائما تابان و درخشان باد **مکتوب دوم** ذات جامع الکمالات حضرت رهنمای سالکان طریق خدادانی دائما بر سر معتقدان سایه گستر باد مراتب زمین بوسی بجا آورده معروض بندگان جناب ملائک مآب میدارد ورود افتخار نامه سعادت ارین حاصل گردید هرچه درباب اشغال وظیفه که از زبان الهام بیان تلقین یافته و ارشاد شده بود حقائق آگاها از برکت توجهات باطن قدسی آنحضرت هرگز از اشغال اوراد غافل نیست همیشه تا حصول سعادت قدمبوس امیدوار ارشاد بذریعه سعادت صحائف خورشید افاضت و افادت درخشان باد **مکتوب سوم** رهنمای سالکان و پیشوای عارفان سلامت شرائط آستان بوسی بتقدیم رسانیده با هزاران تمنای قدمبوس معروض میگرداند صحیفه هدایت مع تعویذ بازو که از تفضلات مرید نوازی عنایت شده بود ورود فرمود فراوان سعادت دنیا و دین بحصول پیوست ایزد تعالی سایه بلند پایه آنحضرت همیشه برسر مریدان مبسوط گرداناد **مکتوب چهارم** هادی مراحل خداشناسی سلامت تسلیمات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت میرساند مدت که مژده خیریت ذات ملکی صفات نیافته خاطر عقیدت مآثر متردد ست امیدوارست که از چگونگی اوقات مبارک ارشاد فرمایند که جمعیت ظاهر و باطن حاصل شود زیاده بجز تمنای قدمبوس چه عرض نماید **مکتوب پنجم** قبله مریدان و کعبه معتقدان سلامت قواعد بندگی و پرستندگی بتقدیم رسانیده

معروض میدارد از برکت توجهات باطنی آنحضرت مطلبی که در خاطر این مرید درست اعتقاد بود بحصول
انجامید مبلغ یکصد و بیست و پنج روپیه نذر خادمان درگاه ارسال داشته امیدوار است که بدرجهٔ اجابت
رسد ابواب ارشاد کشاده باد مکتوب ششم مجمع فضائل و منبع فواضل سلامت بعد ادای آداب
عبودیت بعرض بهره اندوزان معتقدان جناب فضیلت مآب میرساند آرزو زیکه تشریف شریف بطرف
دولتخانه ارزانی فرموده اند اتفاق مطالعهٔ کتب عربی نمی افتد مگر کتابهای فارسی مطالعه میکند
امیدوار است که از قدوم سعادت لزوم دیدهٔ انتظار متعلمان را منور فرمایند که از درس علوم محروم نگردد
هنگامهٔ افاضت و افادت گرم باد مکتوب هفتم فیض بخشای علوم دینی و دنیوی سلامت آداب کورنشات
فدویانه بجا آورده معروض خدمت فیض درجت میگرداند تو رود سرفراز نامه سعادت فراوان و جمعیت
بیکران حاصل نمود وعدهٔ قدوم فیض لزوم بعد انقضای شهر رمضان المبارک بقلم فیض رقم آمده بود
امیدوار توجهات است که بموجب تحریم شریف تشریف ارزانی فرمایند سایهٔ سعادت پایهٔ آنحضرت دائما بر
معتقدان مبسوط باد مکتوب هشتم مخزن علوم سبحانی معدن فیوض یزدانی سلامت قواعد کورنشات
و شرائط تسلیمات بتقدیم رسانیده بعرض جناب بهره اندوزان حضور کمالات ظهور میرساند صحیفهٔ
سعادت بخش پرتو ورود افگند فوائد کونین و مقاصد دارین حاصل گردانید در باب طلب این کمترین
تلمیذان ارشاد شده بود انشاء الله تعالی بعد یک هفته سعادت قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت
دائما تابان باد مکتوب نهم کاشف علوم شریف واقف فنون لطیف حضرت میان جیو سلامت
کمترین شاگردان فدویت آگین شهاب الدین تسلیمات فدویانه و کورنشات شاگردانه بجا آورده معروض
دانش اندوزان خدمت سراپا برکت میگرداند در ینولا بورود نوازشنامه سرفراز شده خاطر عقیدت مآثر
مسرور دوست امید از ذات ستوده صفات آن دارد که باصدار کرامت صحائف مشتمل فقرهٔ خیریت فرات
بابرکات تسلی و طمانیت بخشند زیاده بجز آرزوی قدمبوس چه عرض نماید مکتوب دهم مولوی صاحب قبله

وکعبهٔ معتقدان سلامت لوازم بندگی وشرائط سرافگندگی بجاآورده معروض رای بیضا ضیا میگرداند
از روزیکه متوجه آنصوب شده اند با صدارغبایت نامجات یاد نفرمودند موانع آن بجز خیریت و انبساط خاطر
امرے دیگر مباد توقع از توجهات بزرگانه آن است که از مژدهٔ صحت وسلامتی ذات ملکی صفات اطلاع بخشند
که جمعیت ظاهر وباطن بحصول پیوندد ظل عاطفت برسر خادمان مبسوط باد مکتوب یازدهم قبلهٔ
حاجات وجهانی وکعبهٔ مرادات جاودانی سلامت شرائط عبودیت وبندگی وضوابط فدویت وسرافگندگی
بجاآورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند روداد این حدود مستوجب شکر ایزد بیچون ست و
صحت وتندرستی ذات جامع الصفات از حضرت آفریدگار استدعا دارد سرفراز نامهٔ سعادت آمود
ورود فرمود بالاجمال خرمی وهزاران جمعیت حاصل ساخت آنکه تاکید برائے تحصیل علم درحق کمترین
فرزندان در تحت قلم نوازش رقم شده بود سراسر سعادت وبهبود خود دانسته بنابر اشتغال هنر درخدمت
مولوی صاحب قبله حاضر میباشد ظل عاطفت آن مربی دوجهان همیشه برمفارق فرزندان مبسوط باد
مکتوب دوازدهم قبلهٔ کونین وکعبهٔ دارین مدظله العالی مراتب کورنشات فدویانه بجاآورده
معروض خادمان جناب سعادت مآب قبلهگاهی ولی نعمی میرساند بورود نوازشنامهٔ شریف جمعیت تازه
ودولت بی اندازه حاصل نمود درباب ارسال خیمه وفرش وغیره اشیاے همراهی که ارشاد شده بود
حسب الامر یک منزل خیمه ودو جفت شطرنجی برچهکره بار کرده ارسال داشته ودیگر اشیاے مطلوب همراه
مبارک خدمتگار از عقب روانه میسازد دولت جاودانی همقرین وزگار عالی باد مکتوب سیزدهم قبلهٔ
آمال وامانی خداوند نعمت ولی نعمی صاحب سلمه الله تعالی بعد تقدیم شرائط عبودیت وآرزوی حصول
سعادت قدمبوس که عمدهٔ مقاصد کونین ست معروض رای عالی میگرداند حالات اینجا بالاجمال خیریت
ومژدهٔ سلامتی ذات آن خداوند خدایگان وزینت مسند عیشت از خدمت عالی مرخص گشته درلشکر ظفر پیکر
بندگان نواب صاحب عمدة الملک بهادر رسیده ملازمت خان صاحب داروغهٔ کچهری حاصل نمود وآن صاحب

توجہات قدیم مربی فرموده امیدوار روزگار نموده اند انشاء الله تعالی وقتیکه بخدمتی منصوب خواهد شد
بجناب عالی اطلاع خواهد نمود زیاده چه عرض نماید مکتوب چهار دهم قبلهٔ صوری و معنوی و کعبهٔ دینی
و دنیوی حضرت قبله گاهی جیو سلمه الله تعالی آداب تسلیمات فرزندانه بقواعد کورنشات فدویانه مؤدی
ساخته بعرض عالی میرساند نوازشنامهٔ سعادت آمود ورود فرمود سرفرازی بیکران و جمعیت فراوان بخشید
هندوی مبلغ یکهزار و پانصد روپیه که مصحوب هوشمند خدمتگار ریزدگان گلاب سے ساهوکار بکین لکهنو
عنایت شده بود مطابق ارشاد آن قبله گاهی دو جهان زر مذکور را از دکان ساهوکار بدست آورده رسید
هندوی مسطوره حوالهٔ ساهوکار نموده شد ذات بابرکات دائما بر سر فرزندان سایه گستر باد مکتوب
پانزدهم میان صاحب قبلهٔ خداوند خدائگان و کعبهٔ مراد دو جهان سلامت بعد ادائے آداب فرزندی
معروض میدارد احوال اینجا مقرون بحمد ایزد است و مژدهٔ صحت و خیریت ذات بابرکات هردم از درگاه
الٰهی مسالت مینماید آرزو دریکه متوجه بسمت لشکر فیروزی اثر بندگان نواب صاحب قبله دام اقباله
شده اند با صد التلی ناجیات یاد نفرمودند خاطر فدویان متردد است لهذا راجوقاصد را رخصت نموده
امیدوار است که از مژدهٔ خیریت ذات والاصفات و حقیقت نوکری مفصل ارشاد فرمایند که جمعیت خاطر
بحصول انجامد عمر و دولت در تزاید باد مکتوب شانزدهم عموی صاحب قبلهٔ خدائگان سلامت
آداب عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد عنایت نامه پرتو ورود افگند جمعیت بے انتها بخشید
درباب طلب فدوی ترقیم نموده بودند خواسته بود که موجب امر شریف خود را فی الفور روانهٔ خدمت عالی نماید
لیکن بسبب بعضے کارہاے ضروری توقف نمود انشاء الله تعالی بعد دو سه روز از امور مرجوعه
فراغت نموده نعمت ملازمت حاصل مینماید سایهٔ عاطفت آن مربی دو جهان مدام بر سر فرزندان مبسوط باد
مکتوب هفدهم عموی صاحب قبلهٔ خدائگان مربی دو جهان سلامت لوازم فدویت و سرافگندگی
بجا آورده معروض میدارد مدتیست که بورود الطاف رقائم شفقت جمعیت اندوز نشده امید از اشفاق مربیانه

آنست که برخلاف ماضی از صدور عنایت نامجات ممتاز میفرموده باشند که جمعیت ظاهر و باطن
از آنست یک حقهٔ بدری فرشی برای آن خداگان ارسال نموده بنظر فیض اثر خواهد گذشت
مقبول خاطر گرامی خواهد بود زیاده بجز بندگی چه عرض نماید مکتوب هیجدهم خداوند فیضرسان امیدگاه
دوجهان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت که خلاصهٔ مقاصد است
معروض خدمت فیض درجت میگرداند مبلغ پانصد روپیه برای خرید یکراس اسپ ترکی بدست سیوک رام
خانساماں مرحمت شده بود حسب الامر بنخاس رفته اسپان را ملاحظه نموده یکراس اسپ ترکی جوان راهوار
قابل سواری آن خداگان بقیمت مبلغ پانصد و پنجاه روپیه مقرر نموده پنجاه روپیه دیگر عنایت شود که
اسپ مذکور خریده ارسال نماید عنان همه مقصود در قبضهٔ آرزوی خادمان باد مکتوب نوزدهم
عموی صاحب قبلهٔ فیاض زمان سلامت بعد تقدیم شرائط فدویت و لوازم تسلیم عبودیت معروض میگرداند
احوال این محال مقرون بحمد ایزد متعال ست و مژدهٔ تندرستی ذات والاصفات دائما مطلوب نوازشنامه
مع یک چیره و فوطهٔ گجراتی ورود فرمود نشاط و جمعیت بی انتها حاصل گردید او سبحانه تعالی آن مربی
دوجهان را دیرگاه سلامت باکرامت دارد زیاده چه عرض نماید مکتوب بیستم قبلهٔ آمال و امانی سلامت
فدوی منسارام آداب کورنشات و بندگی بجا آورده معروض میدارد عاطفت نامه مشتمل بر طلب
یک شیشهٔ گلاب در کمال انتظار شرف ورود فرمود معزز ساخت مطابق ایمای شریف یک شیشهٔ گلاب
دو آتشه ارسال داشته اگر دیگر مطلوب باشد ترقیم خواهند فرمود که سعادت خود دانسته ارسال خواهد داشت
زیاده چه التماس نماید مکتوب بیست و یکم اخوان صاحب قبلهٔ فیض رسان سلامت بعد تقدیم آداب بندگی
معروض بخدمت بهره اندوزان حضور میرساند عنایت نامه ورود فرمود هزاران خرمی و جمعیت حاصل گردید
ارادهٔ لشکر ظفر پیکر بندگان نواب صاحب فیروز جنگ ترقیم فرموده بودند حق تعالی در همه جا و همه حال
حافظ و ناصر بوده بمطالب دلخواه فائز گرداناد امید از الطاف مربیانه آنست که بمجرد رسیدن لشکر

خیر خیریت اثر بدست آیندگان این صوب نگارش خواهند نمود که تسلی ظاهر و باطن از انست زیاده دولت جاوید روزی باد مکتوب بیست و دوم اخوی صاحب قبلہ خداوند خدائگان سلامت مراتب فدویت و بندگی بجا آورده التماس میدارد که احوال این حدود مقرون بجمدیت و فرخندہ صحت و سلامتی ذات بابرکات علی الدوام از درگاه الٰہی استدعا دارد سابق درمقدمہ شادی برخوردار سعادتمند ڈال چند بخانۂ صاحب رام سا کن قصبۂ علی نگر بخدمت گرامی التماس نموده بود اگر خود بدولت قبول فرمایند رسوم نسبت بظهور آید قاصد را محض برائے این کار فرستاده شد آمید که زود جواب عرضی مرحمت فرمایند جمعیت دائما از دیاد باد مکتوب بیست و سوم دادا صاحب خدائگان مربی فیض رسان سلامت شرائط بندگی و عبودیت بجا آورده معروض میرساند سوانح این نواحی مستوجب شکر الٰہی ست و نوید سلامتی ذات آن خدائگان روز و شب از حضرت صمدیت مسالت مینماید صحیفۂ اشفاق پرتو ورود افگند جمعیت و انشراح وافر بخشید مبلغ دو صد روپیه جهت خرید پارچه عنایت شده بود بموجب قسم شریف پارچه خرید کرده فرستاده شد تعداد تهانها و تفصیل قیمت از فرد علیحده روشن و هویدا خواهد شد زیاده چه عرض نماید مکتوب بیست و چهارم دادا صاحب قبلۂ دو جهان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی التماس میدارد تلطف نامه ورود فرمود معزز و ممتاز ساخت درباب گذرانیدن عرضی بجناب میر صاحب قبله وحصول جواب امر شده بود مطابق فرموده شریف عرضی گذرانیده جواب حاصل نموده ارسال داشته شد همیشه امیدوار ارشاد خدمات ست عمر و دولت در تزاید باد مکتوب بیست و پنجم اخوی صاحب خدائگان پشت پناه برادران سلامت مراتب بندگی و غلامی بتقدیم رسانیده معروض میدارد درین روزها باصدار عنایت نامجات یاد نفرمودند خاطر فدوی مترددست امید از توجهات مربیانه آن دارد که از ورود خیریت نهاد ارشاد فرمایند که تسلی ظاهر و باطن بحصول پیوندد زریکه سابق برای خرج عنایت شده بود بخرج درآمد امیدوارست که چیزے خرج دیگر مرحمت شود زیاده چه التماس نماید

۲۱ مقرون نزدیک ۱۲ ۲۲ علی الدوام یعنی ہمیشہ ۱۲ ۲۳ زود یعنی جلد ۱۲ ۲۴ سوانح ... حالات ۱۲ ۲۵ نواحی ...

مکتوب بیست و ششم خالو صاحب قبلهٔ خدائگان فیض بخش و فیض رسان سلامت بعد تقدیم بندگی که وظیفهٔ مستمندان ست معروض رای خورشید ضیا میگرداند عاطفت نامهٔ شفقت آمود عز ورود فرمود جمعیت فراوان و نشاط بی پایان حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که از راه توجهات مربیانه عنایت شده بود رسید هزاران جمعیت و فارغ البالی بخشید حق تعالی آن مربی فیض رسان را تا دیرگاه بر سر فدویان سلامت داراد زیاده بجز شکر توجهات چه عرض نماید مکتوب بیست و هفتم ماموں صاحب قبلهٔ خدائگان تکیه گاه بیکسان سلامت شرائط عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد مدتیست که بورود عنایت صحائف ممتاز نگردیده از توجهات مربیانه بسی بعید نموده امید از عاطفت بیکران آنست که برخلاف ایام گذشته باصدار عنایت نامجات یاد و شاد میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن از آنست دولت و اقبال در تزاید باد مکتوب بیست و هشتم ماموں صاحب قبلهٔ آمال و امانی سلامت بعد تقدیم مراسم عبودیت بعرض خدمت فیض درجت میرساند نوازشنامه مشتمل بطلب فدوی شرف اصدار یافت معزز و ممتاز فرمود خواسته بود که بموجب امر شریف خود را بهره اندوز خدمت گرامی سازد لیکن بسبب بارش باران و کثرت آب و خلاب راه توقف نموده وقتیکه بارش فرصت میدهد و راه خشک میشود زود بسعادت ملازمت فائز خواهد شد ذات با برکات دائما بر سر فدویان سایه گستر باد مکتوب بیست و نهم ماموں صاحب قبلهٔ خدائگان فیض بخشای مستمندان سلامت لوازم فدویت و بندگی که موجب سعادت ابدیست بتقدیم رسانیده التماس میدارد سابق امر شده بود که در ماه بیساکه قاصد مع خرچ خواهد رسید چون وعده منقضی شده ناچار بعد انتظار بسیار قاصد را سه روپیه چوره مقرر نموده روانه کرده امید وارست که بدست قاصد هرچه در خاطر مبارک بیاید برای خرچ عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید مکتوب سی ام ماموں صاحب فیض رسان بیکسان سلامت آداب عبودیت بجا آورده التماس مینماید که فدوی از چهار ماه معطل در خانه نشسته است اگر در سرکار دولتمدار نواب با مدار گنجائش روزگار باشد یک قطعهٔ پروانه بمهر خاص حاصل نموده

عنایت سازند که ساز و سر انجام طیار کرده خود را بلشکر ظفر پیکر رسانند زیاده چه التماس نماید مکتوب سی و یکم غریب پرور سلامت از جناب عالی رخصت یافته در پرگنهٔ رحیم نگر رسید احوال پرگنه دریافت نمود بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه پریشان و فرار شده بودند هر همه را تسلّی و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام تردد ست و در اکثر دیهات نرگاوان و غلّه نیست که تردد کشتکاری نمایند لهذا امیدوار از فضل و کرم ست که مبلغ پانصد روپیه از سرکار عنایت شود که تقاوی داده تردد کنانیده جمع سرکار مع تقاوی و باقی وصول نماید واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و دوم غریب پرور سلامت پروانهٔ کرامت نشانه در باب ارسال خزانه ورود فرمود سعادت و سرفرازی بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنجهزار روپیه که موجود بود همراه میر سلطان علی وغیره سواران برادری میر فیض الله ارسال نموده اغلب که داخل خزانهٔ سرکار خواهد شد امیدوار از فضل و کرم ست که بمتصدیان امر شود که داخلهٔ زرهای مرسله حوالهٔ سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله تعالی از عقب خزانهٔ معقول سر انجام نموده ارسال میدارد واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و سوم غریب پرور سلامت رعایای اکثر دیهات این پرگنه باقی سرکار بر ذمهٔ خود گرفته در پرگنهٔ دولت آباد و علاقهٔ میرزا انور بیگ سکونت گرفته اند هر چند که فدوی دو سه مرتبه بخدمت میرزا مذکور برای آسامیان فراری نوشته لیکن میرزای مسطور متوجه نشوند و نظر بر کار سرکار نکنند امیدوار از فضل و کرم ست که یک قطعهٔ پروانه بنام مشار الیه مصحوب چپلهٔ سرکار صادر شود که آسامیان را حوالهٔ کسان فدوی نمایند که بجای خود آمده آباد شده و سر انجام زر باقی و تردد آینده مشغول باشند واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و چهارم غریب پرور سلامت دستک پنج سوار کلاه پوش بنام غلام در باب طلب زر باقی سال گذشته تعیین شده غلام روبرو عرض کرده بود که این زر در سه سال سر انجام خواهد شد امیدوار از فضل و کرم ست که دستک سواران سیده شود باقبال عالی آنچه امسال سر انجام خواهد یافت قصور نخواهد شد و تتمه در دو سال بیباق خواهد نمود

غلام و ولتخواه و فرمانبردار سرکار ست هرگز در شرائط فرمانبرداری و جانگذاری تقصیر نخواهد کرد
واجب بود بعرض سانید عمر و دولت در تزاید باد مکتوب سی و پنجم غریب پرور سلامت بورود
پروانهٔ سعادت آمود سرفرازی و ممتازی حاصل نمود در باب طلب فیلی مع خزانه حکم شده بود حسب الامر
در تدبیر فراهم آوردن زر مقید ست ان‌شاء‌الله تعالی در مدت یک هفته زر جمع نموده سعادت ملازمت
حاصل مینماید امید وارست که متصدیان حضور امر شود تا رسیدن غلام از دستک و سزاولی معاف دارند
واجب بود بعرض سانید مکتوب سی و ششم خان صاحب قبلهٔ خداوند نعمت دو جهان سلامت آداب
عبودیت و فرمانبرداری بجا آورده بعرض خادمان جناب فیض مآب میرساند نوازشنامهٔ سعادت آمود رسید
باعث سرفرازی و بنده نوازی گردید در باب ارسال خزانه و تقید تحصیل زر امر شده بود بنده نوازا
زریکه تحصیل شده بود دیروز مع خرم بیگ وغیره سواران حضوری ارسال داشته یقین ست که داخل
فوطه خانهٔ سرکار شده باشد و از تاکید تحصیل زر یک ساعت غافل نیست و باقبال عالی زر سرکار
بروقت تحصیل نموده متواتر ارسال حضور میدارد واجب بود بعرض سانید مکتوب سی و هفتم خان صاحب
قبلهٔ خداگان فیاض زمان سلامت درین ایام فرخنده فرجام بگوش دعاگویان مسامع رسید
که خدمت چکله داری پرگنات علی نگر بنام نامی از حضور فیض گنجور بندگان نواب مستطاب مقرر گشته
خدا میداند که از استماع این خبر فرحت اثر چندان انشراح خاطر و جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوسته
که بیان آن از احاطهٔ تحریر بیرون ست سبحانه تعالی مبارک و فرخنده ساخته دولت روز بروز افزون گرداناد
امیدوار توجهات ست که فدوی را یکی از دولتخواهان قدیم تصور نموده همیشه باصدار سرفرازنامجات
جزو و کل ضروریات ممتاز میفرموده باشند دولت و اقبال در تزاید باد مکتوب سی و هشتم خان صاحب
خداگان فیض رسان سلامت لوازم بندگی بجا آورده التماس میدارد بورود الطاف صحیفه خیلی جمعیت
و انبساط حاصل نمود در باب گذرانیدن عرضی و دستخط شدن موافق استدعای شریف ایما شده بود

مطابق رقیم گرامی هنگام خلوت عرضی را بنظر مبارک خان صاحب قبله مدظله گذرانیده بحسب آرزوی آن فیض رسان
فرین بدستخط کنانیده ملفوف عریضه ارسال داشته شد امیدوار توجهات ست که مخلص را یکی از ملازمان و تنخواه
خود تصور فرموده بارشاد خدمات لائقه معزز میفرموده باشند که سرانجام آن سعادت دارین پندارد عمر و دولت
در تزاید باد مکتوب سی و نهم میرزا صاحب قبله خداوندگان مربی فیض رسان سلامت سرفراز نامه متضمن طلب زر
ورود فرمود اعزاز و امتیاز بخشید بنده نوازا همگی پنجهزار روپیه در پرگنه از جمع سال تمام باقیست و هنگام
تردد آینده در پیش آمده اگر درین وقت زر از رعایا طلب کند خلل در تردد آینده میشود صلاح دولت آنست
مراد از قلبه رانی و کاشتکاری ۱۲
که ده پانزده روز را مهلت شود انشاء الله تعالیٰ درین مدت از تردد خاطر جمع کرده باقی زر سرکار تا آخر این ماه
وصول نموده ارسال خواهد داشت واجب بود بعرض رسانید مکتوب چهلم میرزا صاحب قبله خداوند فیض رسان سلامت
مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده بعرض سعادت اندوزان جناب فیض مآب میرساند ورود نوازشنامه فیض آمود
باعث سرفرازی گردید در طلب نهالهای نارنگی و شفتالو امر شده بود بنده نوازا باغبان سرکار را حکم شود که در
باغچه فدوی رسیده هر قدر نهالها که مطلوب خواهند گزیده برد امیدوار توجهات ست که همیشه بارشاد خدمات ممتاز
میفرموده باشد الهی شجرهٔ دولت به ثمرهٔ مراد بار ور باد مکتوب چهل و یکم میرزا صاحب قبله و کعبه مراد دوجهان سلامت
آداب تسلیمات خادمانه بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند ایام دراز منقضی گشته که این مهجور الخدمة
ای گذشت ۱۲
بیاد عالی نگذشت از توجهات بزرگانه امیدوار است که با صدار تسلی نامجات متواتر بهره مند و کامیاب میشده باشد
در تیولا دو تهان چهیت اکبر آبادی شخصی برای بنده فرستاده بود و بنده قابل سرکار دانسته ابلاغ خدمت نموده
امیدوار است که درجهٔ پذیرائی یابد زیاده حد ادب مکتوب چهل و دوم میر صاحب قبله خداوندگان سلامت
مراتب بندگی بتقدیم رسانیده معروض خدمت فیض درجت میگرداند ورود عنایت نامه موجب حصول جمعیت و امتیاز
تازه گردید در باب طلب ابو زمیندار موضع چهین پور که حاضر ضامنی سکهداس زمیندار پرگنه دولت نگر نوشته امر
شده بود خداوندگانا ابو زمیندار مسطور ظاهر مینماید که سکهداس را در ماه اساڑهه در کچهری حاضر کرده از ضامنی بری الذمه شدم

لیکن متصدیان بعلت طمع تمسک را از دفتر جدا نکردند درین باب هرچه امر شود بعمل آرد واجب بود بعرض رسانید

مکتوب چهل و سوم بیرصاحب قبلهٔ خدایگان فیاض زمان سلامت شرائط بندگی و خدمتگزاری بجا آورده ملتمس میشود

مرحمت صحیفه پرتو ورود افگنده بهره مند و سعادت اندوز گردانید در باب جاگری بهیا گلاب رای منشی بقلم آمده بود حسب

ترقیم شریف تا مقدور خود در خدمت و غور مشار الیه قصور نخواهد شد همیشه امیدوار ارشاد خدمت واجب بود بعرض رسانید

مکتوب چهل و چهارم بیرصاحب قبلهٔ خدایگان فریادرس دادخواهان سلامت قواعد عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد

رعایای پرگنه فریدنگر علاقهٔ فدوی داد خواه هستند که عامل پرگنه دولت آباد بموجب آرزی اربجال آنها میرساند از ذات بابرکات

که دادگستر و رعیت پرورست امیدوارست که یکقطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث آزار و اضرار رعایای

موضع مذکور نشود خورشید اقبال و اجلال ایشان تابان باد مکتوب چهل و پنجم شیخ صاحب قبلهٔ خداوندنعمتگان سلامت

سرفرازنامه متضمن بر طلب کهاران جهت پالکی سرکار ورود فرمود سرفرازی بخشید حسب الامر ده نفر کهاران بدرماهه پنجروپیه

فی نفر مقرر نموده روانه ساخته همیشه امیدوار اصدار عنایت صحائف میباشد دولت و اجلال دائما مزید باد

مکتوب چهل و ششم شیخ صاحب فیض رسان سلامت بعد گزارش لوازم بندگی و تمنای خدمت شریف التماس میدارد

که زمینداران موضع رام نگر را مبلغ پانصد روپیه از گلاب رای مهاجن بموجب فرموده آن فیض رسان بوعده ماه اکتوبر

بطریق تقاوی رسانیده بودم چنانچه ماه اگهن هم آخر شد زمینداران موضع مذکور زر مهاجن نرسانیده اند و مهاجن

مسطور از بنده تقاضا شدید میدارد لهذا التصدیع داده می آید که زمینداران را تاکید فرمایند که زر مهاجن مع سود

ادا سازند که آینده راه سلوک ادوید جاری باشد زیاده جمعیت و کامرانی باد مکتوب چهل و هفتم شیخ صاحب سراپا لطف

و احسان سلامت بعد اظهار شرائط عبودیت و آرزوی حصول نعمت ملازمت معروض میدارد لورود الطاف نامهٔ عاطفت آمود

سرفرازی و جمعیت و خرمی حاصل گردید از راه توجهات و تفقدات خیرخواه بموجب التماس وکیل دربارهٔ بقلم اشفاق رقم آمده بود

موجب مزید عاطفت سامی گردید بنده بدربار آن فیض آیات ستوده صفات را مربی خود میداند توقع بسرانجام کارهای

دربار از دستگیری شریف میدارد و توجهانه تعالی باین خوبی و بزرگی تا دیرگاه سلامت داشته بمراتب الیقهٔ دلخواه رساند

خیرخواه را از خود تصوّر فرموده با صدارِ عنایت نامجات مع خدمات لائقه ممتاز میکرده باشند دولت و اقبال بی زوال باد مکتوب چهل و هشتم شیخ صاحب قبلۂ خدائگان منبع الجود والاحسان سلامت قواعد بندگی و مراسم عبودیت و ستمندی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند از نوشتۂ اخوی میر فیض الله دریافت شده که بندگان نواب صاحب قبلہ دام اقبالہ دو صد سوار در رسالۂ شریف اضافہ فرموده اند آن صاحب در تلاش سواران هستند با ستماع این خبر خیلی جمعیت و بہجت حاصل گردید چون برخوردار قدرت الله معطل در خانه نشسته است لهذا التماس مینماید که هر قدر سواران ارشاد شود همراه برخوردار مذکور روانۂ خدمت گرامی نماید که شرائط بندگی بجا آورده سعادت دارین حاصل سازد زیاده جمعیت و اقبال دائماً در ترقی باد مکتوب چهل و نهم شیخ صاحب مهربان فیض رسان بیکسیان سلامت بعد تقدیم وظائف نیازمندی مشهود ضمیر منیر فیض تصویر میگرداند سابق زبانی وکیل ربار فرموده بودند که اگر مخلص کدام دیہ از علاقۂ شریف بطریق تعهد استدعا نماید در یغ خواهد بود و درینولا که هیچ شغل در پیش نیست میخواهد که موضع کریم پور را تردد کنانیده زر سرکار سر انجام نماید و قدری زمین برائے وجہ قوت متعلقان علیحده از جمع سرکار کشتکاری کناند امید وار دستگیری مشفقانه است که پټه موضع مسطور بجمع سال گذشته عنایت شود که بموجب آن قبولیت نوشته حوالۂ وکیل نماید و زر قبولیت بلا عذر ادا سازد زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاهم دیوان صاحب قبلۂ خدائگان مربی فیض رسان سلامت لوازم عبودیت بتقدیم رسانیده معروض رائے مهر انجلا میگرداند مبلغ پنجهزار روپیه زر تعلقۂ بنده معرفت فتح چند وکیل داخل فوطه خانۂ سرکار شده متصدیان کچهری رسید داخله تغافل مینمایند امید از توجهات بزرگانه آن است که بمتصدیان تاکید شود که داخلۂ زر مذکور حوالۂ وکیل نمایند و بنده را در خدمت سامی بندگی قدیم است شائسته آنست که اگر کار دیگرے پیش آید بلا توقف از کچهری بر آورده دهند اینکه برائے کار خود ملتجی و منتظر باشد آینده بخلاف گذشته متوقع بمطالب و بخواهست دولت و کامرانی جاودانی باد مکتوب پنجاه و یکم دیوان صاحب دستگیر درماندگان بیکسیان سلامت شرائط فدویت و نیازمندی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند استماع یافته که خدمت پیشکاری پرگنۂ فیروزآباد وغیره از حضور عالی متعالی بنام نامی صاحبزادهٔ بلند اقبال مقرر شد

سطر ۱ مع ۱ بجود / بمعنی زحمت کشی ۱۲ / سطر ۲ ۱ فزونی / بمعنی زاد و من ۱۲ / سطر ۳ ۱ استماع / بمعنی شنیدن ۱۲ / سطر ۴ تزئین بخشی / زیبائی ۱۲ / سطر ۵ مشهود بمعنی ظاهر ۱۲ / سطر ۶ ... / بمعنی روشن ۱۲ / سطر ۷ منسلک / سطر ۸ ... / اجاره ۱۲ / دریغ بمعنی افسوس ۱۲ / سطر ۹ تغافل / بمعنی غفلت ۱۲ / سطر ۱۰ متعال / بمعنی برتر ۱۲

ازین خبر نهایت انشراح ظاهر و باطن بحصول پیوست چون بنده زاده از چهار ماه معطل ست لهذا آستانهٔ دولت را دولتخانهٔ خود دانسته التجا آورده که اگر خطی بمهر خاص در بارهٔ روزگار سیوک رام بنام صاحبزاده عنایت شود غایت بنده نوازیست مراتب اقبال در تزاید باد مکتوب پنجاه و دوم دیوان صاحب مشفق قدردان فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم بندگی و آرزوی خدمت شریف التماس میدارد عنایت نامهٔ مشتمل بر طلب بیست تهان گزی جهت خیمه شریف ورود فرمود موجب جمعیت وافر گردید موافق فرمودهٔ سامی دلال را طلب داشته قدری زر حوالهٔ او نموده تاکید بواقعی کرده که بزودی فراهم آرد آدم شریف استقامت میدارد انشاءالله تعالیٰ از عقب تهانهای گزی جمع کرده بگرامی خدمت ارسال خواهد داشت بنده را از خود دانسته بارشاد خدمات معزز میفرموده باشند زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاه و سوم دیوان صاحب مشفق و فیض رسان متمندان سلامت لوازم بندگی بتقدیم رسانیده مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق پروانهٔ تنخواه مبلغ پنجهزار روپیه بنام میرزا معظم بیگ خان بر علاقهٔ بنده صادر شده بود چنانچه فدوی از تنخواه دار وعده کرده در تدبیر ادای آن زر مقید ست و از نوشتهٔ وکیل ربار معلوم شد که دیگر پروانهٔ تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ دوست محمد بر علاقهٔ بنده طیار میشود چون هنوز تنخواه سابق بیباق نشده و هنگام تحصیل نیست امیدوار از دستگیری مربیانه آن دارد که تنخواه شیخ مسطور بجای دیگر مقرر فرمایند که از تقاضای مردان سپاه عهده برائی نمیتواند شد زیاده چه عرض نماید مکتوب پنجاه و چهارم دیوان صاحب قبلهٔ فیض رسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده معروض خدمت فیض منزلت میگرداند تعلقهٔ راجه پور را شخصی بجمع سالگذشته اجاره میخواهد و مبلغ پانصد روپیه نذرانهٔ آن فیض رسان قبول میکنند چون مکان مذکور ترددست و از تعهد تردد هم میشود و زر سرکار هم بلا خرچ سه بندی سرانجام می یابد اگر همین صورت بند دهیست مخلص بود و تنخواهی سرکار التماس نمود ظل دولت ممدود باد مکتوب پنجاه و پنجم لازم صاحب قبلهٔ فیض رسان سلامت شرائط عبودیت و مستمندی بجا آورده معروض رای فیض پیرای میگرداند باستماع مژدهٔ تفویض خدمت توشکخانهٔ سرکار دولتمدار نواب فلک جناب بذات والاصفات جمعیت بی اندازه حاصل گردید او سبحانه تعالیٰ مبارک و فرخنده گرداناد و بنده بدستور برفاقت

شیخ صاحب فیض رسان و رحیم نگر استقامت میدارد امیدوار فضل و کرم ست که مخلص را یکی از وابستگان خود تصور فرموده باصدار عنایت نامجات معزز و مسرور میفرموده باشند زیاده جمعیت مراتب باد مکتوب پنجاه و ششم خان صاحب قبلهٔ فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم فدویت و نیازمندی بخدمت سراپا سعادت التماس میدارد دسیر فیض الله امیدوار قصبهٔ جلال آباد برای طلیگاری پروانهٔ معافی دیه ایمه خود بحضور فیض گنجور میرسند از انجا که خدمت این طائفهٔ عالیه مستوجب سعادت عظمی ست لهذا التماس میدارد که هر قدر توجهات درباره حصول مطلب میر صاحب مبذول خواهد شد نیازمند مرهون منت و زیر بار احسان شریف خواهد گردید و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلم موکد همین ست خیر الناس من ینفع الناس او سبحانه تعالیٰ عمر و دولت مزید گرداناد مکتوب پنجاه و هفتم لاله صاحب مهربان فیض رسان سلامت بعد ابراز مراتب بندگی و نیاز التماس میدارد و از نوشتهٔ گلاب رای وکیل دریافت شده که متصدیان کچهری بدون حق التحریر پرافراد داخله نشانی نمیکنند لهذا مصدع خدمت گرامی میشود که هرچه وجه تحریر متصدیان از وکیل است عاید باید از گماشتهای دوکان منسارام ساهوکار بدهانند که داخله طیار شده نزد مخلص رسد انشاء الله تعالیٰ زر مذکور بعد یکماه رسانیده خواهد شد زیاده چه برطراز د مکتوب پنجاه و هشتم لاله صاحب خدایگان دستگیر درماندگان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی و تعظیم التماس میدارد و شیخ بدر الدین بعلت مال ضامنی میر قدرت الله در بندیخانه محبوس شده اند همگی مبلغ دو صد روپیه بابت پٹه عالمگیری منجملهٔ مال ضامنی بقیست شیخ مذکور میگوید که اگر خلاصی شود در یکماه زر مذکور سرانجام کرده برسانم چون ذات جامع الحسنات در کار خیر بی اختیار ست لهذا عرض مینماید که بعرض بندگان خان صاحب قبله مدظله رسانیده در رهائی مخلصی مشار الیه شود و توجه مشکور مبذول فرمایند درین صورت مجلس منت عظمی خواهد شد الله تعالیٰ نتیجه خیر کرامت گرداناد مکتوب پنجاه و نهم لاله صاحب مهربان ملجای غریبان و بیکسان سلامت بعد گزارش مراسم بندگی که وظیفه مستمندان ست ملتمس میشود اخلاص دستگاه میر قدرت الله سپاهی منتظر ست از گردش زمانه افلاس تمام بحال او راه یافته بوسیلهٔ نیازنامه عازم خدمت گرامی گردیده از انجا که او سبحانه ذات عالی را بجهان دستگاهی بخشیده باعث نفع خلائق گردانیده ست اگر توجهی

برحال مشار الیه مبذول شود از غربا نوازی بعید نخواهد بود زیاده جمیعت و خرمی باد

فصل دوم بطرف ادنی مشتمل بر بیست مکتوب

مکتوب اوّل برخوردار نور چشم راحت جان طول عمره همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده از عمر و زندگانی بهره یاب باشند بعد دعوات مزید حیات مطالعه نمایند احوال اینجا مستوجب شکر است و سلامتی آن نور چشم دائما مطلوب از روزیکه آمدن اینجانب در لشکر شده خبر خیریت آن برخوردار نرسید خاطر بسیار متردد است لهذا قاصد را مع هنڈوی مبلغ دو صد روپیه بدکان گلاب رای ساهوکار متوطن بلده فتح پور فرستاده شد لازم که زر مذکور از ساهوکار گرفته رسید نوشته بفرستند که خاطر جمع شود و در تحصیل علم نیز سعی بلیغ نمایند که سعادت دنیا و عقبی از آنست زیاده چه نویسد

مکتوب دوم برخوردار نور چشم سعادت اطوار کامگار طول عمره بعد ادعیه وافیه و شوق دیدار فرحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد خط مسرت نمط مع خطوط عظیم آباد رسید باعث هزاران نشاط و خرمی گردید حقیقت آمدن خود همراه شاه صاحب که نوشته بودند باید که هرگاه شاه صاحب روانهٔ مکان متعلقه شوند آن برخوردار نیز همراه شوند که در عالم نوکری اطاعت و رضامندی آقا ضرور است بفضل الهی آن برخوردار خود دانا هستند درین باب احتیاج مبالغه نیست زیاده بجز شوق چه نوشته آید

مکتوب سوم برخوردار سعادت اطوار خجسته افعال طول عمره بعد از دعوات درازی حیات مطالعه نمایند درین روزها خط آن برخوردار نرسید خاطر متردد است بنا بر آن قاصد را مع مبلغ یکصد و پنجاه روپیه نقد فرستاده شد لازم که رسید مبلغ مذکور بنگارند و مبلغ پنج روپیه منجمله زر مرسله مشیخت پناه فضیلت دستگاه شیخ عبد الله اخوند را خواهند داد و در نوشتن و خواندن نوعی سعی و دلسوزی شبا روزی بکار برند که زود در فن انشا بهره وافی حاصل شود زیاده عمر باد

مکتوب چهارم برخوردار سعادت آثار شائسته کردار طول عمره بعد دعای مزید حیات و ترقی درجات مطالعه نمایند که احوال این نواحی بخیریت و خیریت آن برخوردار دائما مطلوب از حینیکه من در لشکر در آمده ام خط آن برخوردار وصول نگردیده خاطر متردد است لهذا قاصد فرستاده شد لازم که از احوال خیریت اشتمال اطلاع دهند که خاطر را اطمینان بهم رسد و در خواندن و نوشتن سعی موفور بکار برند که سعادت کونین در تحصیل علم است هر که غافل ماند جاهل ماند زیاده والدعا.

مکتوب پنجم برخوردار نور الابصار راحت القلوب عبدالکریم پیوسته از عمر و زندگانی مالامال کامرانی باشند بعد ادعیهٔ وافیه
و شوق دیدار راحت آثار مکشوف خاطر باد خط مسرت نمط رسید باعث نشاط خاطر گردید از تکلیفات خرج که نوشته بودند هنوز زر
وجه طلب از سرکار نیافته وقتیکه طلب از سرکار می آید خرج معقول خواهم فرستاد الحال مبلغ یکصد روپیه از خزانچی سرکار
بطریق قرض گرفته فرستاده شد لازم که بکار ضروری خرج خواهند نمود از تحصیل علم غافل نباشند که امتیاز و اعزاز مردم
از هنر است زیاده دعا و شوق مکتوب ششم برخوردار کامگار اقبال مند همواره از عمر و دولت کامران کامیاب باشند
بعد دعای مزید حیات و ترقی درجات مطالعه نمایند خط مرسله وصول نمود باعث نشاط گردید از عنایات بندگان نواب صاحب
قبله ام اقباله بحال آن بلند اقبال و عطای رسالهٔ پانصد سوار و یکهزار پیاده جز آنکه اندازه که بقلم آورده بودند او سبحانه تعالی
مبارک ساخته روز بروز ترقی مراتب گرداناد و بنا بر طلب سواران که نوشته بودند انشاء الله تعالی هر قدر که سواران بهم رسند
فرستاده میشوند زیاده جمعیت و کامرانی باد مکتوب هفتم برخوردار سعادتمند قرة العین غلام حسین طول عمره بعد دعای
مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار واضح باد احوال اینجا بالفضل خدا مستوجب شکر است و صحت و سلامتی آن
نور چشم مطلوب و بهتر است که از احوال آن کامگار اطلاع ندارد لهذا آدم فرستاده شد لازم که کوائف خود مشرحاً
بقلم آرند که خاطر جمع گردد و یک قبضه کمان برای آن برخوردار فرستاده شد خواهد رسید باید که استعمال تیراندازی نمایند
که کماندار هنر بزرگ است تیر از رو به هدف مراد مقارن باد مکتوب هشتم برادر عزیز و اقرب سعادت آثار
همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده کامیاب و شاد کام باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار مکشوف خاطر
عزیز باد احوال اینجا مقرون خیریت و سلامتی آن سعادتمند دمبدم از حضرت سبحانه تعالی مطلوب خط بهجت نمط وصول نمود
مالامال نشاط و خرمی ساخت برای قبول کردن شادی برخوردار ستوده خصال الاله رام دیال که نوشته بودند اگر بصلاح مشفقه
مکرمه والده ماجده در آید چه مضائقه مرا مرضی مبارک حضرت مخدومه بر همه چیز مقدم است زیاده والدعا مکتوب نهم
برادر بجان برابر حمیده خصال الاله سنگه لال اطال الله عمره بعد ادعیه وافیه شوق و بنا مطالعه نمایند رقیمه وداد
نواحی مقرون شکر الهی است و خیریت آن عزیز از جان و اکنا است دعا میدارد آنجانب بفضل الهی سرکار خان صاحب

غلام علیخان بدرماهه پنجاه روپیه بلاقصور نوکر شده انشاء الله تعالی بعد چند روز خرج معقول فرستاده میشود باید
که بخاطر جمع در تحصیل علوم سعی کمال بکار برده از تحریر خیریت منبسط دارند نسخهٔ بهار دانش برای مطالعهٔ آن برادر
بقیمت مبلغ ده روپیه خرید فرستاده شد خواهد رسید زیاده والدعا مکتوب دهم برادر بجان برابر بلکه از جان بهتر
و خوشتر لاله مرلیدهر در حفظ داور بوده از عمر و دولت بهره ور باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار
بهجت آثار واضح باد روئداد این حدود بحمد رب المعبود شامل حالست و سلامتی آن ستوده صفات هر ساعت
خواهانست قریب یکسال میشود که اخوی بهوانی پرشاد را برای طلب آن برادر فرستاده بودم هیچ احوال دریافت نیامد
که بچه سبب در آمدن توقف کردند انتظار کشیده قاصد را فرستاده شد لازم که آنچه حقیقت برادر کامگار باشد اطلاع
دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب یازدهم برادر کامگار شایسته کردار طوبعره بعد دعای
مزید حیات بهجت آیات مکشوف خاطر باد خط مسرت نمط رسید باعث نشاط خاطر گردید برای رسیدن این جانب
تشخیص موضع بهوانی پور نوشته بودند برادر من اتفاق آمدن بنده چند روز نمی افتد باید که شما باتفاق بهائی
کنور سین جمع آنجا بموجب حال فیصل کرده از زمینداران قبولیت بگیرند و از مهر خود پٹه نوشته دهند که ساخته
و پرداخته آن کامگار منظور است زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب دوازدهم برادر عزیز و افر تمیز شایسته کردار
خجسته اطوار همواره خوش وقت شادکام باشند بعد از دعای مزید عمر و شوق راحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد مسموع شد
که آن سعادتمند دانش آموز بخدمت فضیلت و کمالات دستگاه مولوی سید عبدالله جیو شروع تحصیل عربی نموده اند
خدا امید اند که بر شوق باطن آن کامگار طبیعت نهایت خرمی بهم رسید باید که سعی و دلسوزی تمام بکار برده علم صرف
و نحو کما ینبغی یاد گیرند اگر علم منطق و معقولات تحصیل نمایند اولی ترست و الا اینقدر برای علم فارسی ضرورست
عالم الغیب بعلوم معاش و معاد فائز گرداناد مکتوب سیزدهم عزیز القدر سیوک رام خوش وقت باشند خط مسرت
افزای خاطر رسید خوشی و خرمی حاصل گردید اراده خود بتلاش روزگار بطرف عظیم آباد نوشته بودند درین روزها
خدمت فوجداری پرگنات شاه آباد وغیره از حضور بندگان عالی متعالی این جانب را مقرر شده نیست

اگر این مقدمہ درست می آید خانۂ شماست چرا سفر دور و دراز اختیار خواہند کرد یکماہ دیگر در خانہ بگذارند انشاء اللہ تعالی ہمین جا نوکری میسر خواہد آمد زیادہ چہ نویسد مکتوب چہاردہم برادر عزیز القدر سعادتمند لالہ ڈالچند محفوظ باشند بعد دعا و شوق آنکہ یک راس اسپ کمیت در خانۂ رحیم خان سوداگر بقیمت مبلغ پانصد روپیہ فیصل شدہ است آن اسپ را خواہم خرید لہذا نوشتہ میشود کہ آن عزیز القدر زر قیمت را از دکان رام چند ساہوکار گرفتہ بمالک رسانیدہ اسپ را درینجا بفرستند زیادہ دعا مکتوب پانزدہم عزیز القدر شیخ مسعود بخیریت و بہبود باشند خط مرسلہ رسید بحقیقت اطلاع شد نوشتہ بودند کہ زمینداران چوراسی زر نمیدہند دستک برآنہا از حضور تعین شود مطابق نوشتۂ شما میرزا محمد بیگ وغیرہ پنج سوار کلاہ پوش را دستک فرستادہ شد و تقید بلیغ نمودہ شد کہ بسزا ولی شد ید زر باقی خریف را بوصول رآرند آن عزیز القدر زر موجودات را ہمراہ گرفتہ خود را بحضور رسانند کہ بعضی مقدمات تعلق بر و بر دارد زیادہ چہ مرقوم شود مکتوب شانزدہم عزیز القدر میر مظفر سلامت باشند خط مرسلہ رسید بحقیقت مطلع شد برای فرستادن پیادہ ہای تحصیل نوشتہ بودند شیخ مطلوب وغیرہ پنجاہ نفر پیادہ تعین نمودہ شد باید کہ تا ہنگام تحصیل نگاہدارند و یکصد روپیہ ماہ بماہ طلبانہ از مال میدادہ باشند وقتیکہ تحصیل موقوف شود پیادہ ہا را روانۂ حضور خواہند نمود زیادہ چہ نگارش رود مکتوب ہفتدہم سیادت و نجابت پناہ میر فیض اللہ در حفظ الہی باشند خط مرسلہ رسید بحقیقت مندرجہ آگاہی یافت از سرکشی زمینداران دیہات موسات و عدم ادای زر نوشتہ بودند بالفعل بتملق و چاپلوسی باید گرفت انشاء اللہ تعالی از تشخیص این محالات فراغت کردہ بآن ضلع میرسم و بدبختان را بسزا میرسانم زیادہ چہ نوشتہ شود مکتوب ہیجدہم مشیخت پناہ شیخ قدرت اللہ محفوظ باشند سابق برای ارسال خزانہ قلمی شدہ بود ہنوز انتظار ہماست چون تاکید حضور در باب ارسال خزانہ متواتر میرسد لہذا بقلم می آید کہ بمجرد رسیدن نوشتہ زر معقول فراہم آوردہ ارسال دارند و در صورت اہمال دستک خواہد رسید زیادہ چہ تاکید رود مکتوب نوزدہم شجاعت و تہور دستگاہ دلاور خان در حفظ الہی باشند عرضی ایشان رسید

کوائف مندرجہ معلوم شد وعدہ ارسال زر تاریخ ہفتم شہر حال نوشتہ بودند امروز دہم این ماہ است تا حال
زر نرسیدہ اینقدر خلاف نویسی پسندیدہ نیست باید کہ بساعت رسیدن پروانہ زر معقول ارسال دارند
و آیندہ را ازین خلاف نویسی دست بردارند کہ در حق شما خوب نیست زیادہ چہ تاکید رود مکتوب بستم خصوصیت
و اخلاص دستگاہ کشور راے محفوظ باشند مسموع شد کہ زمینداران موضع رام گڑھ از تالاب کہ بر سر حد آن دیہ است
زمینداران بھمن پور را برای قطعات بیج آب نمیدہند زراعت خشک میشود لہذا قلمی مے گردد کہ
تحقیقات معقول پرداختہ بزمینداران ام گڑھ تاکید نمایند کہ از معمول انحراف نکنند زیادہ چہ نگارش رود

فصل سوم بطرف مساوی مشتمل بر پانزدہ مکتوب

مکتوب اول میر صاحب مہربان قدردان سلامت بعد سلام خیر انجام مشہود ضمیر منیر میگرداند مہربانی نامہ چہرۂ
وصول افروختہ بحقیقت خیریت سامی آگاہی دادہ مبتہج و مسرور گردانید نوشتہ بودند کہ قیمت اسپ ترکی از آن
کمال خان بر مبلغ پانصد روپیہ فیصل شدہ است و ازین کم نمیشود چون این جانب را اسپ ضرور در کار است
امید کہ آن مہربان اسپ را مع سوداگر درینجا بیارند کہ زر حوالہ مالک نمودہ اسپ گرفتہ شود زیادہ چہ در طراز د مکتوب دوم
شیخ صاحب مہربان مخلصان سلامت بعد سلام و شوق ملاقات مسرت آیات مکشوف رای گرامی نمودہ می آید نامہ
اخلاص آمود وصول نمود باعث نشاط و انبساط وافر گردید یک حقہ و نیچہ کہ از راہ مہربانی بدوستدار فرستادہ بودند
رسید بغایت خورسند گردانید او سبحانہ تعالی خانہ آباد و دولت زیادہ گرداناد مکتوب سوم میرزا صاحب مہربان کرم فرمای
نیازمندان سلامت بعد اظہار مراسم نیاز و آرزوے حصول مواصلت تمام بہجت مشہود ضمیر اشفاق تصویر گردانیدہ
می آید دیریست کہ از ترقیم مہربانی نامہ منبسط نساختہ اند دل مشتاق منتظر است قاصد را محض براے دریافت خیریتہا
فرستادہ شد ترصد کہ از مژدہ خیریت ذات فرخندہ صفات و رود داد لشکر ظفر پیکر مفصل اطلاع دہند کہ خاطر
جمع شود زیادہ بجز شوق چہ نویسد مکتوب چہارم خان صاحب مہربان قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی
ملاقات سامی مشہود رای عاطفت افزای میگرداند مہربانی نامہ ورود نمود نشاط وافر بخشید آرادہ لشکر فیروزی اثر

بتاریخ هفتم شهر حال و طلب یک مهار شتر جهت باربرداری نوشته بودند مهربان من دور و زیست که میر فتح علی شتر
را بنا بر برات پسر خود برده اند و الا شتر از آن آنصاحب و دیگر هر چه مطلوب باشد بی تکلف اطلاع دهند که در ابلاغ
آن هرگز قصور نخواهد شد ایام جمعیت و خرمی مستدام باد مکتوب پنجم میر صاحب مهربان قدردان سلامت بعد تقدیم
سلام و نیاز و آرزوی گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر نموده می آید که بوصول الطاف صحیفه مشمول بهجت و خرمی گردید
بتاریخ شانزدهم ربیع الآخر شادی کدخدائی میر فتح علی و طلب سرانجام نوشته بودند صاحب من هر چه در خانه
خیرخواه ست از خود قصور نمایند هرگاه که دو سه روز تا تاریخ برات باقی ماند کسی آدم معتبر روانه خواهند نمود حواله آن
کرده خواهد شد زیاده شادمانی و کامرانی باد مکتوب ششم خانصاحب مهربان توجه فرمای مخلصان سلامت بعد سلام
خیریت انجام و تمنای دریافت ملاقات سامی موصلت مکشوف رای عاطفت فرمای گردانیده می آید امسال در باغ دوستدار
درختان ترنج بار بسیار آورده اند در ینولا یکصد ترنج برای دوا مطلوب ست اگر در باغ شریف باشد البته عنایت فرمایند
شجره مراد بارور باد مکتوب هفتم لاله صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی ملاقات مسرت آیات
مشهود ضمیر منیر گردانیده می آید مدت ست که از تحریر احوال خیر مآل منشرح و فارغ البال نساختند انقباض خاطر
بدرجه کمال ست امید از مهربانیهای دیرین آن دارد که اینقدر فراموشی زیاد خیرخواهان در عالم یگانگی روا نداشته
آینده برخلاف ماضی از ترقیم احوال خیر مآل منبسط باید داشت شیخ پیر محمد بارادهٔ چاکری بهره اندوز خدمت سامی
میشوند از آنجا که خدمت این طائفه عالیه موجب سعادت دارین ست اگر در سرکار خانصاحب گنجایش روزگار باشد
دریغ توجه نباید داشت زیاده چه برطرازد مکتوب هشتم لاله صاحب مهربان مشفق مخلصان سلامت بعد گزارش
سلام و آرزوی دریافت موصلت سامی مکشوف ضمیر مهربانی تصویر نموده می آید که زبانی آیندگان این صوب
دریافت شد که خدمت قلم نگاری پرگنه رحیم آباد و غیره از حضور فیض گنجور نواب صاحب قبله بنام خانصاحب
علی رضا خان جیو مقرر شده و خدمت پیشکاری خانصاحب بآن مشفق قرار یافته باستماع این خبر جمعیت اثر
خیلی نشاط و خرمی بحصول پیوست اگر همچنین مقرون بصدق باشد مفصل اطلاع بخشند که اخلاص مند بهره اندوز

دمت سامی گردد جمعیتها همقرین روزگار فرخنده آثار باد مکتوب نهم دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت

بعد سلام و تمنا گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر میگرداند صحیفهٔ مهربانی آمود وصول نمود همقرین بهجت و نشاط ساخت (خوشی ۱۲)

ا بر وجه رسوم خود ایما فرموده بودند بنده در تدبیر ست این مرتبه وکیل مع زر قسط بحضور میرسد وجه رسوم

ریف را علیحده حوالهٔ او خواهد نمود بخدمت سامی خواهد رسانید مخلص را وابستهٔ مهربانیهای خود تصور نموده

یا خدمت لائقه یاد فرما باشند که تقدیم آن موجب خوشنودیست دولت و اقبال روزافزون باد مکتوب دهم (۸۹)

یوان صاحب مهربان قدردان سلامت وکیل را برای حصول داخله بکچهری فرستاده بودم ظاهرا متصدیان

ری بی تحریر داخله نمی نویسند چون معمول چنین نیست که وجه تحریر در آخر سال میرساند درین صورت امید که

صدیان تاکید شود که داخله وکیل را نوشته دهند انشاء الله تعالی زر تحریر بعد بیباقی زر سرکار رسانیده

هد شد زیاده چه نویسد مکتوب یازدهم (۹۰) دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و شوق ملاقات

می مشهود ضمیر منیر نموده می آید مهربانی نامه مشتمل بر فرستادن فراریان موضع کریم پور که در موضع رحیم پور علاقهٔ (ظاهر ۱۲) (دل ۱۲)

ه استقامت میدارند رسید موجب نشاط خاطر گردید صاحب من فی الواقع فراریان مسطور در موضع مذکور (خوشی ۱۲) (نوشته شده ۱۲)

اطلاع بنده استقامت کرده بودند وقتیکه به بنده اطلاع شد فراریان علاقهٔ سامی را در علاقهٔ خود جای دادن

سب ندیده فی الفور بدر نمود اگر می بودند البته استمالت نموده بخدمت سامی میفرستاد زیاده بجز شوق چه نویسد (خبر ۱۲)

وب دوازدهم شیخ صاحب مهربان سلامت گوپال مقدم موضع دیولی ده علاقهٔ سامی مبلغ پنجاه روپیه

رامونامی زمیندار علاقهٔ بنده بطریق قرض بوعدهٔ فصل ربیع گرفته بود حالا که وعده رسید در ادای زر (نام موضع ۱۲)

و حواله مینماید چون مقدمه طرفین واحدست مقدم مسطور را نزد خود طلبیده تاکید مزید فرمایند که از

عاملگی دست برداشته زر قرضه را بموجب قرارداد ادا نماید زیاده چه برطرازد مکتوب سیزدهم (۹۲) میرزا صاحب

ان سلامت رعایای موضع کهار اظهار نمودند که اسامیان موضع باندره علاقهٔ سامی اراضی پنجاه بیگه

ضع کهار را تردد کاشت کرده بودند و محصول آنرا میخواهند که متصرف شوند چون مقدمه فیما بین احد

لهذا مصدع میشود که اسامیان مرقوم را منع باید شد که در زمین ... بود دست انداز نشوند زمین
پنج ده را جمع نموده از روے پنچایت فیصل کرده دهند اگر زمین کهار را قرار یابد حاصل آن زراعت
بیست ده بمالک برسانند و اگر زمین بانده ثابت شود مختار اند انفصال این قضیه ضرور
زیاده چه نوشته آید مکتوب چهاردهم میرزا صاحب مهربان سلامت خط سامی وصول
مبند رجه اطلاع دست داد تقاضاے زر قیمت اسپ که نوشته بودند صاحب من بالفعل بر بنده
زر سرکار بسیار است پروانجات از حضور متواتر میرسند اگر زر در ارسال نمی آید دستک سوار
کلاه پوش تعین میشود درین صورت چندر روز دیگر توقف باید نمود که زر سرکار ارسال کرد
قیمت اسپ البته بآن مهربان خواهم رسانید خاطر شریف جمع فرمایند زیاده چه نوشته
مکتوب پانزدهم میرزا صاحب مهربان قدردان سلامت گرامی نامه وصول نمود منبسط و
گردانید درباب فرستادن یکدست جره ایما شده بود مهربان من امسال چهار دست جره خر
بودم یکے ازان محض ناکاره برآمد سه دست در پرواز و صید گیری خوب برآمد از انجمله یکدست
که از همه بهتر بود مطابق ایماے سامی حواله رحیم باز دار نموده بخدمت خواهد رسانید همیشه
مهربانی رقائم یاد فرما و نشاط افزا باشند زیاده چه بطراز و فقط

تمت

خاتمة الطبع شکر و احسان منشی انشای عالم و درود و سلام بر رسول خیر الانام صلی الله علیه
وسلم که این نسخه دستور الصبیان که در تمامی بلدان هندوستان چندان شهرت
پذیرفت که حالی اذهان هر طفل و برنا و پیر است بمطبع رزاقی واقع کانپور در ماه شوال ا
سنه ۱۳۱۷ هجری حسب ایماے جناب حاجی محمد سعید صاحب تاجر کتب کلکته خلاصی ٹوله نمبر ۵۰ و جناب حاجی محمد عم
صاحب مهتمم و مالکان مطبع رزاقی سلمها الله الباقی خلعت انطباع صفا پوشید و لباس ارتسام جلا در بر